*هوالطیف*

*مراقبت و تکامل دوران ابتدای کودکی*

*آغازی عادلانه برای تضمین آتیه کودکان*

حضرت رسول اکرم(ص) می فرمایند:

«أكرموا أولادكم ، وأحسنوا آدابهم»

به‌فرزندان خود احترام بگذاريد و آنان را نيكو تربيت نماييد

امیرالمؤمنین علیه‏السلام به فرزند خود امام مجتبى علیه‏السلام مى‏فرمایند:

«قلب كودك نورس همانند زمین كاشته نشده، آماده پذیرش هر بذرى است كه در آن پاشیده شود. از این‏ رو در تربیت تو شتاب كردم، پیش از آن‏ كه دل تو سخت شود و اندیشه‏ات به چیز دیگرى مشغول گردد، تا به استقبال كارهایى بشتابى كه صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را كشیده‏اند و تو را از تلاش و یافتن بى‏نیاز ساخته‏اند.»



*فهرست:*

مقدمه

مفاهیم تکامل ابتدای کودکی

كودكان استثنائي

كودكان تيز هوش

دلایل سرمایه گذاری

اسلام و تربیت کودک

ویژگی ها و نیازهای دوران کودکی و نوجوانی و اهمیت آنها

عوامل تاثیر گذار بر تکامل دوران ابتدای کودکی

تکامل دوران ابتدای کودکی و عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت

اصول و حیطه های مداخلاتی

برنامه سازی برای کودکان

کلیات برنامه ها و مداخلات تکامل دوران ابتدای کودکی

تجارب جهانی

توصیه ها و نتیجه گیری

مراجع

مقدمه :

سال های ابتدای کودکی مهم ترین سال های حیات است و تجربیات این سال ها زیر بنای زندگي آینده هر انسانی خواهد بود . لذا اگربه نیازها و حیطه های تکاملی کودکان در طی این دوران پاسخ مناسبی داده شود، آنها سالم تر بوده، از قدرت تفکر و تعقل بیشتری برخوردار می گردند و مهارتهای عاطفی و اجتماعی بهتری خواهند داشت. تکامل ابتدای کودکی شامل حیطه های مختلفی از قبیل شناختی، تکلمی، احساسی، اجتماعی، جسمی ، روانی و معنوی می باشد که همگی قویا بر یادگیری ابتدایی و پایه ای فرد ، موفقیت تحصیلی ، خطر ابتلا به بیماری های جسمی و روانی، مشارکت اقتصادی، نقش اجتماعی شهروندی و سلامت او تاثیر به سزایی خواهند داشت.

بررسی های متعدد مشخص نموده اند که بسیاری از مشکلات دوران بزرگسالی ریشه در دوران ابتدای کودکی دارند. محیطی که کودک در آن زندگی کرده، رشد می نماید و می آموزد، تاثیر بسیار زیادی بر تکامل ، خصوصا تکامل مغزی، وی دارد. اما تامین محیط هایی که برای تکامل دوران ابتدای کودکی مناسب باشد از عهده والدین ،به تنهایی، خارج است و لازم است که از جانب دولت ها، تشکلات مدنی و جامعه نیز حمایت هایی صورت پذیرد. کودکان با ظرفیت های روانی، اجتماعی و جسمی متفاوتی متولد می شوند که این ظرفیت به آنها اجازه می دهد از طریق ارتباط با محیط پیرامون خود ، بیاموزند وسیر تکامل خود را طی کنند. اگر این ظرفیت ها شناخته نشده و مورد حمایت قرار نگیرند، به جای شکوفايي، پژمرده شده و از بین خواهند رفت. اگر مغز خوب تکامل یابد، پتانسیل یادگیری افزایش یافته و احتمال شکست تحصیلی و نیز شکست در زندگی کاهش می یابد..

اثرات آنچه در طول نخستين ماه ها و سال هاي زندگي كودك و حتی در دوره قبل از تولد روي مي دهد ، مي تواند در تمام طول عمروی ادامه يابد. همه عوامل كليدي ذهنيت عاطفي – از قبيل اعتماد ، كنجكاوي , هدفمندي ، خويشتن داري ، حفظ رابطه ، ظرفيت برقراري ارتباط با ديگران و برخوردار بودن از روح همكاري – يعني عوامل تعيين كننده چگونگي آموزش كودك در مدرسه و برقراري ارتباط با ديگران در زندگي ، بستگي به نوع مراقبت هاي نخستيني دارند كه كودك از محیط پیرامونی خود در سال های نخستین زندگی (پدر و مادر ، آموزگاران دوره پيش دبستاني و مددكاران ) دريافت می كند. البته براي كودكان هيچ وقت دير نيست كه تندرستي و بالندگي خود را بهبود بخشند ، مهارت هاي تازه بياموزند  ، بر ترس هاي خود غلبه كنند ، يا باورهاي شان را تغيير دهند اما – چنانكه غالبا نيز اتفاق مي افتد – وقتي كه كودكان از "سر آغازي " درست و بايسته برخوردار نشده باشند ، هرگز از عهده جبران آثار كوتاهي هايي كه در حق آنها شده است بر نمي آيندو به شكوفا كردن كامل استعدادهاي خود نايل نمي شوند.

قدرت یادگیری کودک در سنین پیش از دبستان بسیار بالا و عمیق است. کودک در6 سالگی حدوداٌ 90 درصد رشد مغزی خود راپشت‌سر گذاشته است؛ بنابراین هر چه از بدو تولد، از توانایی های مغز بیشتر استفاده نمايد، اتصالات و سیناپس‌ها کامل‌تر و بیشتر رشد خواهند کرد و توان آموزشی او افزایش خواهند يافت. بايد توجه داشت که کمبودهای تغذیه‌ای در این دوران حساس زندگی کودک، به شدت بر توانمندی‌های ذهنی او اثر می‌گذارد. . امروزه می دانیم ضریب هوشی کودکی که از شیر مادر محروم شود، 8 درجه ؛ کودکی که با کمبود آهن روبه‌رو باشد، 5 درجه و کودکی که با کمبود ید مواجه است، 13درجه نسبت به آنها که از این غفلت‌ها مصون مانده‌اند، كمتر است. می دانیم که سوءتغذیه دوران جنینی می‌تواند سلامت تمام دوران حیات را به مخاطره اندازد. ولی آیا تاکنون توانسته‌ایم محاسبه کنیم که کمبودهای عاطفی در این دوران حساس چگونه می‌تواند زندگی كودك را دچار سرگردانی، بی‌تفاوتی و خود ستیزی کند؟ آیا به پتانسیل تکاملی کودک از بدو تولد اندیشیده‌ایم و بستر مناسبی برای رشد تکاملی او مهیا کرده‌ایم؟ البته رشد و پرورش کودک عرصه‌های متعدد به هم پیوسته‌ای چون رشد حسی حرکتی، شناختی و اجتماعی و هیجانی را دربرداردو توجه به تمام عرصه‌ها برای رسیدن به حداکثر توانمندی‌های بالقوه، حق اوست.

یافته‌های علمی نشان می‌دهند که حدود 200 میلیون کودک زیر پنج سال از رسیدن به حداکثر پتانسیل تکاملی، شناختی، اجتماعی و عاطفی خود باز مي مانند. عواملی که موجب این زيان بزرگ می‌شوند، شامل سوءتغذیه (کمبود آهن- کمبود ید،...) و تحریک ناکافی تکامل شناختی در پنج سال اول زندگی هستند؛ عواملی که پیشگیری از آن ها ساده است و راه‌حل‌های روشن دارد. به علاوه ، کودکان باید در محیطی سالم به دور از خشم و خشونت، ظلم و شرارت ، فقر و تبعیض زندگی کنند.حقيقتا کودکان سرمایه‌های یک ملت‌اند و باید برای شاد زیستن و رفاه کامل جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی که موجب دستیابی به توانمندی‌های بالقوه آنان مي شود، برنامه‌ای داشت اما ، آیا می‌توان انتظار داشت در شرایطی که بستر مناسبی برای رشد جسمی، عاطفی و اجتماعی کودکان فراهم نیست، همه کودکان تبدیل به جوانانی مبتکر، خلاق، توانمند و پویا شوند؟ آیا ما نیازهای متفاوت انسان را از لحظه تکوین ، طول دوران جنینی و بعد در سال‌های اولیه رشد و تکامل می‌شناسیم و به آن نیازها پاسخ مناسب داده‌ایم؟ آيا تاوان بی‌توجهی ما گسترش فضاهای ناسالم، فرار از خود، پناه‌بردن به مصرف موادمخدر، خود ستیزی، غیرستیزی، رواج خشونت و انعکاس ظلم و شرارت نخواهد بود؟

وقتي كودك خردسال را در آغوش گرفته و نوازش مي كنيم و نيازهاي عاطفي وي را تامين مي نماييم وي را در برابر اثرات فشارهاي روحي كه بعدها در زندگي تجربه مي كند ،تا حدودي "مصونيت "مي بخشيم.

در نخستين لحظات ، ماه ها ، و سالهاي اول زندگي ، هر لمس ، حركت ، و ارتباط عاطفي در زندگي يك كودك ، در مغز او به شكل انفجاري از فعاليت هاي الكتريكي و شيميايي در مي آيد ، زيرا دراين سنين ميلياردها سلول مغزی درحال سازمان دهی شبكه هايي با ميلياردها ميليارد سيناپس (‌روابط ميان سلول هاي مغز) است.انواع تجربه ها بر چگونگی تکامل مغزهای جوان تاثیر می گذارند اما در این بين ، هیچ چیز مهم تر از مراقبت و تغذیه مناسب در سالهای نخست زندگی نیست .

اسلام عالی ترین توجهات را به کودک و تکامل و تربیت وی داشته چنانکه انتخاب نام زیبا، احترام به فرزندان،پرورش و آموزش مناسب،توجه به نیازروابط دوستانه و رفاقت، صحبميت با کودک، محبت، اجتماعی شدن فرزندان،مشورت با فرزندان، رفتار عادلانه و به دور از تبعیض، آموزشهای دینی و تقویت مبانی اعتقاد ی و سطح دانش و معرفت کودک جملگی از مصادیق مهم و مورد توجه دین اسلام مي باشد(4) بدیهی است که کم توجهی به این توصیه ها سبب رشد و تکامل کمتر کودکان جامعه اسلامی ایران نسبت به سایر کشورها خواهد شد و یقینا این موضوع ما را از اهداف عالیه نظام اسلامی دور نگاه خواهد داشت. تکامل ابتدای کودکی یکی از حیطه های اولویت دار رویکرد تعیین کننده های اجتماعی سلامت است ، که به تاثیر عوامل اجتماعی از قبیل شغل، درآمد، تحصیلات، جنسیت بر سلامت تاکید دارد . اعتقاد بر این است که برنامه ریزی های طولانی مدت و متعهدانه در این حیطه می تواند منجر به بهبود عدالت و کاهش نابرابری در طول نسل ها گردد. لذا جمهوری اسلامی ایران از طریق مداخله در عوامل اجتماعی نامطلوب تاثیرگذار بر سلامت فعالیت می نمایدو با توجه به دستورات اکیددین مبین اسلام در این زمینه ، بر خود لازم می داند ، برای دستیابی به عدالت در سلامت پایدار و مستمر، برنامه های تکامل ابتدای کودکی را در کشور طرح ریزی و اجرا نماید.در واقع تکلیف کلیه دولت مردان و برنامه ریزان سلامت کودکان کشور ،حمایت و تاکید بر اجرای بهینه این برنامه با توجه به دستورات دین مبین اسلام و قران و مستندات علمی می باشد..

مفهوم تکامل ابتدای کودکی

مراقبت های تکاملی دوران ابتدای کودکی حیطه ای است که در آن عناصری از قبیل محرک های دوران شیرخوارگی، سلامت و تغذیه، آموزش های دوران ابتدای کودکی، توسعه و تکامل اجتماعی ، روان شناسی، جامعه شناسی، انسان شناسی و مسائل اقتصادی با هم آمیخته گردیده است. اگر قصد، حمایت از کودکان و کمک به رشد و تکامل آنان باشد، ضروری است که جنبه های تکامل آنها را شناخته و درک نموده، هم چنین به محیطی که کودک در آن زندگی می نماید توجه نماییم.

*مراقبت های تکاملی دوران ابتدای کودکی(Early Childhood Care for Development*)

شامل تمام حمایت های ضروری از هر کودک ، هم چنین در برگیرنده محافظت ها و مراقبت های تضمین کننده تکامل مطلوب کودک از تولد تا سن هشت سالگی می باشد.

برای درک بهتری از معنای جمله فوق لازم است که از معانی اصطلاحات کلیدی درک مشترکی داشته باشیم.

* دوران ابتدای کودکی (early childhood)
* مراقبت (care)
* تکامل (development)

دوران ابتدای کودکی (early childhood)

آن چه که به طور رایج مورد استفاده قرار می گیرد، دوره ای از زندگی کودک است که از زمان لقاح و دوره جنینی تا سن هشت سالگی را در بر دارد. از لحاظ رشد و نمو فیزیکی، اجتماعی، احساسی و عقلانی کودکان، دوران ابتدای کودکی زمانی است که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. تجارب خوب و مناسب در این دوران، از جمله کمک خانواده ها به منظور تامین نیازهای کودکان، سبب بهبود تکامل کودکان و دستیابی به حد مطلوب تکاملی اشان خواهد شد. بنابراین اگر مشکلات و مخاطرات محیط فیزیکی و اجتماعی بر سر راه تکامل کودکان، که سبب تاخیر تکاملی آنها می گردند، به موقع شناخته و تلاش جهت برطرف کردن و یا به حداقل رسانیدن آنها صورت گیرد، می توان از بسیار ی از پیامدهای ناگواری که حتی در دوران بزرگسالی گریبانگر فرد خواهند شد، اجتناب نمود.

* در نظر گرفتن این دوره دو دلیل دارد:
	+ از دیدگاه تئوری های یادگیری، دوره زمانی از تولد تا 8 سالگی، زمانی از زندگی است که در آن غالبا *یادگیری از طریق رفتار* رخ می دهد. این دوره زمانی ، با تکامل رواني مرتبط با یادگیری کودکان سروکار دارد و بیشترین فراگیری در کودکان زیر سن هشت سالگی، زمانی اتفاق می افتد که آنها اشیایی در اختیار داشته، بتوانند آنها را دستکاری کنندو فرصت و شانس کشف دنیای اطرافشان را داشته باشند. البته اینها همگی باید در محیطی امن و محرک تامین شوند تا کودکان بتوانند از طریق آزمون و خطا بیاموزند و تجربه کنند. در حدود سن 7 تا 8 سالگی، کودک به سن دلیل و استدلال می رسد و در این سن به شکل متفاوتی به دنیا می نگرد. دراین زمان می تواند با ایده ها بازی کند، مفاهیم را از نظر ذهنی یاد بگیرد و کمتر به اشیا وابسته باشد. گرچه در این دوران، یادگیری از طریق مشاهده و شنیدن نیز صورت می پذیرد .
	+ به دلیل اهمیت پیوستگی تجارب کودکان، تعریف( (early childhoodدوران ابتدای کودکی از تکامل دوران پره ناتال شروع و تا سالهای ابتدای مدرسه (سن 6 تا 8) ادامه می یابد. هر چند که ساختار مغزی از لحاظ بیولوژیکی و وراثتی تعیین می گردد اما این ساختار در دوره پري ناتال به تکامل خود ادامه می دهد و در واقع ارتباطات درون مغزی، که زیربنای مهم و حیاتی برای تکامل آتی فرد هستند، از تعاملات و ارتباطات کودک با محیط اطراف شکل می گیرند(انسان و اجسام). سریعترین دوره تکامل مغز در طی دو سال ابتدای زندگی اتفاق خواهد افتاد که این خود پایه ای برای عملکرد هوشی، هیجانی عاطفی، فیزیکی/ایمنولوژیکی و اجتماعی کودک می گردد. تجارب کودک از دوران دو تا پنج سالگی زیر بنای یادگیری های بعدی و تحصیلات رسمی و مهارت های اجتماعی وی خواهد بود.

مراقبت (care)

در دهه 1980 اصطلاح (care ) مراقبت بهتكامل ابتداي دوران كودكيdevelopment early childhood اضافه شد تا ذهن سیاستگذاران و برنامه ریزان را از این که برنامه های تکامل دوران ابتدای کودکی تنها معادل با برنامه های پیش دبستانی است، دور نماید. تا این زمان برنامه های مراقبت کودکان ( child care) از نظر مفهومی و تحت اللفظی از برنامه های پیش دبستانی جدا و این قبیل برنامه ها اغلب با سلامت، کار زنان و خدمات اجتماعی مرتبط بودند. در راستای تلاش برای وسیع تر نمودن برنامه های دوران ابتدای کودکی، عبارت مراقبت و تكامل دوران ابتداي كودكي Early Childhood Care & Development مرسوم گردید. در دهه 1990 کلمه مراقبت معانی مختلفی به خود گرفت. در ابتدا یونیسف آن را در ارتباط با برنامه های تغذیه ای به کار برد ( یعنی توجه نمودن به این نکته که تغذیه خوب چیزی بیش از تامین غذای کودکان است )و مراقبت ( care ) به عنوان یک جز کلیدی در فرآیند تغذیه که خود سبب ارتقا رشد و تکامل می شود، محسوب گردید. کودکانی که تحت توجهات مراقبتی نیز قرار می گیرند، نسبت به کودکانی که این قبیل مراقبت ها را دریافت نمی کنند، تغذیه بهتری داشته و کمتر مستعد ابتلا به بیماری هستند و هم چنین یادگیری بهتری دارند. بر عکس، کودکانی که مورد مسامحه و غفلت قرار می گیرند، مستعد ابتلا به انواع بیماری ها و سوء تغذیه بوده و توان و انگیزه کمتری برای یادگیری دارند. در حال حاضر مراقبت به عنوان فرآیندی تلقی می گردد که منجر به ایجاد محیط توانگر کننده حامی تکامل کودک مي شود. از لحاظ عملی، مراقبت مبناي فرهنگي دارد و شامل تسهيلاتي می شود که بزرگسالان و سایر افراد مهم در زندگی کودک قادر به تامین آن هستند؛ از قبیل محیط سالم و امن، تعاملات حمایتی و اثرگذار، الگو های مناسب، محرکات، محافظتها ... که همگی از اجزاء مورد توجه حقوق کودکان به شمار می روند. به طور خلاصه مراقبت مجموعه ای از اقدامات منسجم است که ضامن تشریک مساعی برای حمایت و حفاظت از جنبه های سلامت، تغذیه، روانی اجتماعی و شناختی تکامل کودکان می باشد. پس مراقبت یکی از عوامل کلیدی در ارتقا تکامل مطلوب کودکان محسوب می گردد.

تکامل (development)

فرآیندی از تغییرات است که کودکان را از لحاظ حرکتی، فکری، احساسی، تعاملی با مردم و عوامل محیطي به سطوح بالاتری از کامل شدن می رساند. تکامل کودکان شامل آشکار شدن ویژگی های بیولوژیکی و رفتارهای نشات گرفته از آموخته های مبتنی بر تجارب می باشد. رشد فیزیکی، ذهنی و هیجانی، نقش حیاتی در تکامل کلی کودکان دارند.

هم چنین یادگیری نقش بسیار مهمی در تکامل دارد، که خود به عنوان فرآیند اکتساب دانش، مهارت ها، عادات و ارزش ها از طریق تجربه، آزمایش، مشاهده، بازتاب و/یا مطالعه و آموزش تعریف می گردد. وضعیت تکاملی موجود هر کودک، می تواند بر یادگیری جاری و آتی او تاثیر گذاشته آن را تسهیل نموده و یا از آن ممانعت به عمل آورد. یادگیری، بخشی کلیدی از فرآیند تکامل و یکی از پیامدهای آن است که به شدت تحت تاثیر کیفیت مراقبت هایی که کودک دریافت می کند، قرار مي گيرد.

اگر تامین مراقبت مناسب در زمینه حمایت از تکامل کودکان را وظیفه خود بدانیم، باید توجهی ورای توجهات بخشی داشته باشیم و درک کنیم که چگونه انواعی از مراقبت ها که منجر به بقا و حداکثر تکامل و محافظت از کودکان می شود را تامین نماییم و باید بدانیم که تکامل سالم و همه جانبه از حقوق اصلی و اولیه کودکان است. باید بفهمیم که چه مراقبت هایی برای کودک لازم است و نیز چگونه این مراقبت ها را در موقعیت های مختلف به کار گیریم. این گونه ادراکات است که ما را به ایجاد برنامه های دوستدار کودک، برنامه های متمرکز بر خانواده و مبتنی بر جامعه که خود حامی تکامل کودکان هستند، رهنمون می گردد.

برنامه ریزی در زمینه مراقبت و تكامل ابتداي دوران كودكي یعنی برآورده کردن نیازهای چندگانه کودکان از طریق مد نظر قرار دادن سلامت، تغذیه و محرکات روانی اجتماعی، در حالی که هم زمان با اینها ضروری است که نسبت به تقویت محیطی که کودکان در آن زندگی می کنند نیز اقدام نماییم.

بنابراین، برنامه ریزی مراقبت و تكامل ابتداي دوران كودكي علاوه بر توجه به نیازهای اختصاصی کودکان شامل موارد زیر نیز می گردد:

* + تعامل با پدران و مادران به منظور تقویت مهارت های والدین
	+ تعامل با خواهر و برادرهای کودک و سایر اعضای فامیل به منظور شناخت و توجه به نیازهای اختصاصی تکاملی کودکان
	+ اقدام برای تامین یا تقویت گزینه های مراقبت روزانه
	+ تلاش برای حمایت از زنان و خانواده ها از طریق حمایت های اقتصادی
	+ ظرفیت سازی در جامعه و خانواده
	+ تعامل با جامعه به منظور ارزیابی مشکلات مبتنی بر جامعه و حل آنها
	+ تهیه و تدوین برنامه های بین بخشی
	+ به حرکت در آوردن بسیج های اجتماعی(7)

كودكان استثنايي
       در حقيقت همه افراد انسان ها از نقطه نظر خصوصيات مختلف جسماني، بيولوژيكي، ذهني، رواني و عاطفي، سازگاري اجتماعي و... يكسان نبوده و نسبت به همديگر داراي تفاوت هاي خاصي هستند . نه تنها هر فرد نسبت به افراد ديگر از نقطه نظر ابعاد مختلف جسماني و ذهني داراي تفاوت هاي ويژه اي است بلکه بين توانايي ها و استعدادهاي مختلف وی نيز تفاوت هايي مشهود و موجود است لذا بدين ترتيب هر فرد نسبت به افراد ديگر استثنايي است و كلمه «استثنايي» به طور اعم و به معناي دقيق علمي خود نمي تواند فقط به گروه هاي خاصي از افراد جامعه اطلاق شود.
    آنچه كه ما اصطلاحاً «كودك استثنايي» مي گوييم غالباً بدين معناست كه كودك از نظر هوشي، جسمي، رواني و اجتماعي به ميزان قابل توجهي نسبت به ديگر همسالان خود متفاوت است به صورتی كه نمي تواند به نحوي مطلوب حداكثر استفاده را از برنامه هاي آموزش و پرورش عادي ببرد و ناگزير نيازمند به توجه خاص و آموزش و خدمات فوق العاده مي باشد.
    از نظر آموزشي كودك استثنايي كودكي است كه براي تأمين حداكثر نيازهاي تربيتي و آموزشي او بايد تغييراتي در شيوه هاي تربيتي و آموزشي خانواده و در برنامه هاي مدارس عادي داده شود.
 كودك استثنايي ابتدا باید به عنوان یک کودک مورد توجه قرار گیرد ودر مرحله بعدی باید به عنوان کودکی با خصوصیات و صفاتی استثنایی نسبت به سایر کودکان مورد توجه باشد . در واقع اين ويژگي ها و تفاوت هاست كه مربيان و مشاوران و معلمان با آن سر و كار دارند و اين تفاوت ها هستند كه پدران و مادران بايد خود را با آن سازگار و هماهنگ كنند.  مطابق آمار تأييدشده سازمان هاي بين المللي از جمله يونسكو تعداد تقريبي افرادي كه به لحاظ تفاوت هاي محسوس فردي نياز به برنامه هاي آموزشي ويژه اي دارند در هر جامعه بين ۱۰ الي ۱۵ درصد است. البته اين تعداد شامل افراد عقب مانده ذهني، افراد تيزهوش و سرآمد، نابينا و نيمه بينا، ناشنوا و نيمه شنوا، ناسازگاران اجتماعي ومعلولان جسمي نيز مي شود.

 *كودكان تيزهوش*    كودكان تيزهوش يا پرتوان برخلاف ساير كودكان استثنايي ممكن است در تمام دوران زندگي خود شناخته نشوند و كسي به نبوغ ذاتي آنان پي نبرد. يك كودك نابينا يا عقب مانده ذهني به زودي از روزها و ماه هاي اول زندگي، توسط اطرافيان تشخيص داده مي شود و از همان موقع اطرافيان در صدد چاره جويي يا لااقل مراجعه به پزشك، مدرسه و مربي متخصص برمي آيند. ولي كودك تيزهوش چون علامت مشخصي ندارد و از طرفي كمتر كسي با روحيه و رفتار او آشنايي دارد ممكن است سال ها و حتي تا پايان زندگي شناخته نشود. نبوغ نبايد الزاماً در تمام رشته ها و موضوعات در كودكي ظاهر گردد، چه بسا كودك تيزهوشي كه در برخي از رشته ها از استعدادي شگرف برخوردار است در بعضي از دروس يا مطالب در حدي عادي و متوسط رشد نمايد. لذا نبايد تصور كرد كه كودكي تيزهوش است كه در تمامي جهات مستعد و پرتوان باشد. به طور كلي مي توان گفت نخستين شرط تيزهوشي داشتن هوش بهري (IQ) حدود بيش از ۱۳۰ است و علاوه بر بهره هوشي ممتاز، قدرت خلاقه، توانايي در استدلال و ابتكار در كار را نيز بايد در نظر گرفت. زودرسي استعداد و علاقه به رقابت با كودكان بزرگتر نيز از جمله مشخصاتي است كه نزد كودكان تيزهوش ديده مي شود و اصولاً اين گونه كودكان و نوجوانان به جاي بازي با همسالان، بازي و مباحثه با همفكران را ترجيح مي دهند و به همين سبب اكثراً در گروه سني بزرگترها جايي براي خود باز مي كنند.
تحقيقات مارتين سون (Marin son) نشان دهنده آن است كه كودكان تيزهوش از نظر سلامت، و به خصوص جنب و جوش و داشتن انرژي بر كودكان هم سن وسال عادي خود برتري دارند.  يك كودك تيزهوش موجودي است كه عوامل ارثي و محيطي او را به صورت فردي پيچيده، استثنايي و باهوش تر از افراد عادي درآورده است.
    گرچه تمامي کودکان تیزهوش از بهره هوشي بالايي برخوردارند، لكن داراي خواسته ها، نيازها، علايق و خصوصيات متفاوتي مي باشند كه مانع شناخت الگوي واحدي از رفتار و خصايص آنها می گردد . به هر صورت چنین اختلافاتی ، دليل آن نخواهد بود كه آنها داراي خصوصيات و وجوه مشتركي نباشند و نتوان آنها را در يك طبقه خاص قرار داد.
    ترمن و آدن، در مطالعاتي، مشخصات عمومي تيزهوشان را اينچنين بيان كرده اند كه وضع جسماني تيزهوشان به طور كلي از ساير افراد بهتر است. در يادگيري زبان، خواندن، هنر و ادبيات، علوم و رياضيات از ساير كودكان پیشی گرفته اند . توجه و علاقه اين كودكان به سوي مسائل مختلف است و زودتر و سريعتر از ساير كودكان به خواندن مي پردازند و بيشتر و بهتر مي خوانند. داراي سرگرميهاي گوناگون هستند و كمتر تقلب مي كنند. از ثبات عاطفي و اعتماد به نفس بيشتري برخوردار مي باشند و در كارهاي اجتماعي گرايش بيشتري از خود نشان مي دهند.
        در گذشته چنين تصور مي شد كه تيزهوشان افرادي گوشه گير و منزوي هستند و نيروي سازش و همكاري با ساير افراد را ندارند، در حالي كه مطالعات انجام شده نشان مي دهد كه تيزهوشان داراي نيروي سازش بيشتري هستند و در برخورد با ناملايمات از اعتماد به نفس و ثبات عاطفي بيشتري برخوردارند و بهتر مبارزه مي كنند و يكي از خصوصيات بارز اين افراد استقلال طلبي آنهاست.

 دلایل سرمایه گذاری در زمینه تکامل ابتدای کودکی

از 25 سال پیش تاکنون، این سوال مطرح بوده که به چه دلیل در برنامه های تکامل ابتدای کودکی سرمایه گذاری نماییم؟ در گذشته این طور فکر می شد که تجارب سال های ابتدای کودکی تنها از خانواده کسب می شود و لذا به نقش دولت و سایرین توجهی نمی شد. امروزه، گرچه این قبیل ملاحظات هنوز تا اندازه ای وجود دارد، اما توسط دانش و اطلاعات در خصوص منافع حاصل از سرمایه گذاری اولیه حمایت می شود ، این دانش از طریق تدوین برنامه های موفق، بر اساس تقاضاهای جدید مرتبط با تغییرات اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، سیاستی و شرایط تحصیلی و نیز بر اساس راه های جدید تفکر در خصوص کودکان و جامعه شکل گرفته است و سبب گردیده است تفکرات بدبینانه تا حد زیادی کاهش بیابد .

برخی از استدلالات اختصاصی در حمایت از سرمایه گذاری در زمینه تکامل ابتدای کودکی عبارتند از:

1. کودکان حق زندگی و کامل شدن تمام ظرفیت هایشان را دارند

حقوق كودكان ولزوم توجه به رشد و بالندگي انسان، دلايل خدشه ناپذير سرمايه گذاري دردوران نخستين كودكي می باشند . علوم اعصاب و روان تاثير دوران نخستين زندگي كودك بر بقيه عمر را به اثبات مي رسانند.

بیانیه های ذیل از برخی از کنفرانس ها و پیمان نامه های جهانی حاصل شده است:

* تمام کودکان، بدون توجه به جنسیت، نژاد، زبان، مذهب و ... باید فرصت پرورش و تکامل تمام ظرفیت هایشان را داشته باشند؛
* کودکان، بنا به دلایل آسیب پذیری ذهنی و جسمی اشان، به مراقبت ها و محافظت های اختصاصی نیاز دارند؛
* کودکانی که خصوصا در شرایط سخت به سر می برند، نیازمند ملاحظات اختصاصی هستند؛
* مسئولیت اولیه پرورش، تکامل و آموزش کودکان، به عهده والدین و خانواده هایشان است؛
* حکومت ها باید محیط مناسبي را ایجاد نمایند که خانواده ها و جوامع را قادر به انجام مسئولیت های تربیتی و محافظتی از فرزندانشان نماید.
1. شواهد در زمینه ارزش توجه اولیه به نیازهای کودکان

نگاهی هرچند سطحی به وضع کودکان و نوجوانان در جامعه،نشانگر مشکلاتی عظیم است که ریشه در عدم آمادگی رواني - جسمانی ، به ویژه ناکارآمدی اصول و مبانی آموزش الفبای آن در قالب بازی های مفرح ایستا و پویا به کودکان دارد. این معضل نه تنها بر ساختار بدنی، سلامت فرد و سبک زندگی او در آینده تاثیر دارد بلکه بر کسب فضایل اخلاقی که غفلت از آن به قیمت شرافت انسانی و فنای اخلاق تمام میشود،اثرگذار خواهد بود. بی توجهی و ساده اندیشی در این مورد موجب شده است ،روابط انسانی آن چنان دچار بحران شود که چون گردبادی عظیم با تکیه بر نیروهای مخرب ناشی از انحرافات , کج رویها , ناسازگاریها , انحطاطهای اخلاقی در سطحی وسیع ، حال و آینده نسل کنونی و بعدی را به خطر اندازد. .متاسفانه مردم تدریجا با چنین زمینه ای خو کرده و گمان می کنند وضع باید به همین گونه ای باشد، که هست . به عقیده جامعه شناسان زمینه بسیاری از کج رویها و انحرافات را نخست خانواده و بعد اجتماع و فرهنگ به وجود می آورند . بنابراین , برای اصلاح آن باید به سالم کردن هدفمند این دو محیط پرداخت .لذا برای سازندگی کودکان زیر8سال به عنوان نسل جدید ،بهتر است اصلاحیه هایی در برنامه های آموزشی این گروه به شکلی هدفمند صورت گیرد. فراموش نکنیم که طفل امانتی از سوی خدا در دست والدین و جامعه است. کودک اعم از پسر و دختر ودیعه ای آسمانی است که به پدر و مادر سپرده می شود و قلب پاک فرزند گوهر گرانمایه و نفیس و آئینه مصفایی است , که قابلیت پذیرفتن همه خوبی ها را دارد. والدین نخستین کسانی هستند که کودک از آنها منشاء می گیرد و با آنها در تماس است. ساختار زندگی امروزین و در گیر بودن والدین در مشاغل و حرفه های گوناگون موجب شده است تا مهمترین سالهای شکوفایی کودکان در اختیارمربیان مهدهای کودک به عنوان عاملان تربیت قرار گیرد و عالیترین نقش را در زمینه پرورش و رشد شخصیت کودک ایفا کنند. اندیشمندان بر این باورند که لازمه برنامه ریزی و کار با هر ابزاری آگاهی کامل از تمامی ویژه گی ها و زوایای کارکردی آن ابزار می باشد..تحقیقات نشان می دهند که بیشترین میزان تکامل عقلانی در کودکان در سن قبل از هفت سالگی رخ می دهد. سال اول زندگی از لحاظ تغذیه و رشد فیزیکی کودک بسیار با اهمیت است. کودکانی که در این دوره زمانی با مشکلاتی مواجهه می شوند ممکن است در معرض خطر تاخیر و یا تضعیف تکامل شناختی(ذهنی) قرار گیرند. در خلال دو سال اول عمر، بیشترین رشد سلول های مغزی به همراه ایجاد ارتباطات عصبی در مغز رخ می دهد که این فرآیند نه تنها تحت تاثیر وضعیت تغذیه ای و سلامت کودک قرار می گیرد، بلکه از انواع تعاملات کودک با مردم و محیط نیز تاثیر می پذیرد.

1. شواهد ی دال بر منافع اقتصادی سرمایه گذاری در سال های ابتدایی عمر برای اجتماع

سالیان دراز ی است که توسعه اقتصادی یک مشغولیت ذهنی برای دولتها محسوب می شود. در داخل کشورها سالیانه بیلیون ها دلار به عنوان کمک هزینه برای شرکتها و موسسات خرج می شود تا فعالیت های تجاری اشان را مستقر کرده و گسترش دهند. اما مطالعات نشان داده اند که یکی از پر بازده ترین سرمایه گذاری ها که کمتر از دیدگاه اقتصادی نیز به آن توجه شده است، سرمایه گذاری در زمینه تکامل دوران ابتدای کودکی است. چندین مطالعه طولی که در میان تعدادی از کودکان در معرض خطر خانواده های کم درآمد انجام شده، نشان داده است که سرمایه گذاری در زمینه تکامل ابتدای کودکی ، بازگشت سرمایه ای بسیار چشمگیری را به همراه دارد. نتایج این قبیل مطالعات نشان داده که بازگشت سرمایه حاصل از برنامه های با کیفیت بالای تکامل ابتدای کودکی در حدود 16%(مطابقت داده شده با میزان تورم) است، در حالیکه بازگشت سرمایه گذاری عمومی سالیانه 12% (مطابقت داده شده با میزان تورم) مي باشد. در حال حاضر گفتگو بر سر موفقیت برنامه های تکامل ابتدای کودکی در مقیاسی بزرگتر مطرح است که در صورت رعایت نکات ذیل احتمال این موفقیت افزایش خواهد یافت:

1. تمرکز برنامه بر کودکان در معرض خطر باشد و مشارکت مستقیم والدین را تشویق نماید؛
2. برنامه ها تعهدات بلند مدتی برای تکامل ابتدای کودکی ایجاد نمایند؛
3. به منظور تشویق فعالیتها و اقدامات خلاقانه و با کیفیت، به دستاوردهای موفق پاداش داده شود.

شرایطی که دلالت بر در معرض خطر بودن کودک دارد عبارتند از درآمد پایین خانواده، خشونت در داخل خانه و یا بی توجهی که در داخل خانه نسبت به کودکان اعمال می گردد، سطح تحصیلات پایین والدین، وزن کم زمان تولد و وابستگی والدین به مواد مخدرو.....

هم چنین نشان داده شده است که جامعه از سرمایه گذاری در زمینه تکامل ابتدای کودکی به واسطه افزایش سودمندی اقتصادی در طول عمر کودک، افزایش گزینه های اشتغال ، ارتقا یادگیری و نیز از طریق ذخیره هزینه های اجتماعی در حیطه هایی از قبیل میزان های نام نویسی در مدرسه، مردود شدن، ترک تحصیل(کودکانی که توجهات مناسب ابتدایی را دریافت می کنند، احتمال بیشتری برای نام نویسی در مدرسه، مردود نشدن و عدم ترک تحصیل دارند) منتفع می گردد. در این زمینه می توان کاهش بزهکاری و کاهش مصرف مواد مخدر را نیز به این قبیل منافع اضافه نمود. فردی که از لحاظ جسمی، ذهنی، اجتماعی و عاطفی به خوبی تکامل یافته است ، خواهد توانست موقعیت شغلی بهتری کسب نموده و در اقتصاد خانواده، اجتماع و کشورش سهیم گردیده ، مفید واقع شود.بالا رفتن توان توليدي فرد سبب بهبود سطح زندگي وي می گردد .

 صرفه جويي بعدي در هزينه هاي آموزشي جبراني و مراقبت هاي بهداشتي و خدمات توانبخشي , و فرصت كسب درآمدهاي بالاتر براي والدين و مددكاراني كه به اين ترتيب با خيال راحت تر مي توانند وارد باز كار شوند،از فواید اقتصادی عمده این برنامه می باشند.

از دیدگاه اقتصادی ، برنامه های مراقبت وتکامل دوران ابتدای کودکی ، یک سرمایه گذاری مناسب و هزينه اثربخش محسوب می گردند. اهمیت بهبود وضعیت منابع انسانی از دیدگاه اقتصادی، بر اهمیت اتخاذ این گونه برنامه ها در کشورها می افزاید. برنامه های تکامل ابتدای کودکی منافعی فراتر از منافع صرف برای کودکان دارد که شامل منافع اقتصادی و اجتماعی در سراسر زندگی می گردد. برخی از منافع اختصاصی برنامه های تکامل ابتدای کودکی برای کودک و اجتماع در جدول زیر خلاصه شده اند.

|  |
| --- |
|  |
| منافع برنامه های تکامل ابتدای کودکی |
| برای | تغییرات در  | ماهیت تغییر |
| کودکان | تکامل روانی-اجتماعی | تکامل شناختی بهتر(تفکری، استدلالی)؛تکامل اجتماعی بهتر(ارتباطات با دیگران)؛تکامل احساسی بهتر (خود شناسی، امنیت)؛مهارت های تکلمی بهتر |
| سلامت | افزایش احتمال زنده ماندن؛ کاهش ناخوشی ها؛تغذیه بهتر؛ بهداشت بهتر و نسبت وزن به قد مناسب تر براساس سن؛ تعادل بهتر ریز مغذی ها |
| عملکرد و پیشرقت | شانس بالاتر برای ورود به دبستان؛ احتمال کمتر مردود شدن؛ عملکرد بهتر |
| بزرگسالان | دانش کلینگرش و عملکردارتباطاتاستخدام | سلامت و بهداشت بهتر؛ تغذیه و رژیم غذایی(مرتبط با وضعیت تغذیه ای فرد و کودک)مهارت های رهبری ؛ ؛ عملکردهای پیشگیرانه طبی بهتر؛ فرصت های درمانی مناسب تر؛ تغذیه؛ رژیم غذایی بهتراعتماد به نفس بهتر؛ روابط بهتر زن و شوهر، کودک و والد، هم سانان و کودک به کودکشرایط اشتغال بهتر خصوصا برای مراقبین کودک؛ فرصت های اشتغال جدید که توسط این برنامه ایجاد می شود؛ افزایش بازار کالاهای مرتبط با برنامه |
| اجتماع | محیط فیزیکیمشارکت اجتماعیموسساتاثربخشیظرفیت | بهبود بهسازی محیط؛ فضاهای بازی؛ تسهیلات چند منظوره جدیدانسجام بیشتر؛ افزایش مشارکت زنان؛ پروژه های اجتماعی عام المنفعهبهبود کارآیی؛ توجهات بهداشتی بهتر از طریق خدمات منسجم و یا تغییراتی که در عملکرد مصرف کنندگان ایجاد شده است؛ کاهش مردودی و ترک تحصیلپوشش بیشترتوانایی بیشتر؛ اطمینان و/یا تغییراتی در تشکیلات؛ متدها و محتواهای آموزشی اصلاح یافته  |
| جامعه | کیفیت زندگی | جمعیت سالم تر؛ کاهش تعداد روزهای از دست رفته به دلیل بیماری؛ سواد بیشتر؛ جمعیت تحصیل کرده تر؛ مشارکت اجتماعی بیشتر؛ نیروی کاری بهتر؛ کاهش بزهکاری؛ کاهش باروری و بارداری های زود هنگام؛ کاهش نابرابری های اجتماعی  |

1. کودکان آینده ساز کشور هستند؛ آنها ارزش های فرهنگی را جاودانه می سازند

 معیارهای انسانی توسط کودکان به ارزشها تبدیل می شود. حراست از ارزش های اخلاقی و اجتماعی و بهبود آنها، از کودکی باید آغاز گردد. ارزش هایی از قبیل سازگاری با یکدیگر در زندگی ، حفاظت از محیط زیست همگی می توانند از طریق برنامه های تکاملی دوران ابتدای کودکی توسعه یابند. موقيعت يك كشور در اقتصاد جهاني بستگي به صلاحيت مردم آن کشور دارد و پايه اين صلاحيت در سال های آغازین عمر – قبل از آنكه كودك به سن 8 سالگي برسد –نهاده مي شود

1. برنامه های دوران ابتدای کودکی، سبب بهبود وضعیت عدالت می شوند

تحقیقات نشان داده اند که برنامه های مراقبت و تکامل ابتدای کودکی که از اثربخشی خوبی برخوردار هستند، خصوصا برای کودکان در معرض خطر، منافع عمومی و اختصاصی پایداری ایجاد می نماید. یک مسئله ای که باید در نظر داشت رویکرد عدالت محوری در این زمینه است و باید بیشترین تمرکز بر کودکان محروم باشد. بی عدالتی در منابع اقتصادی اجتماعی منجر به بی عدالتی در تکامل ابتدای کودکی می شود، برای مثال سیاست های دولت برای تامین خانواده وجامعه از نظر درآمد و اشتغال، منابع خدمات سلامت، تحصیل کودکان،محله امن...

که برنامه های مراقبت و تکامل ابتدای کودکی كمك خواهد کرد تا نابرابري هاي اجتماعي و اقتصادي , و نابرابري هاي جنسيتي كه جامعه را دو قطبی مي كنند , كاهش يابند و كساني را كه به طور سنتي مطرود و محكوم بوده اند , به آغوش جامعه بازگرداند.

شرایط ناسالم و استرس زایی که در اثر فقر ایجاد می شود، با نابرابری های تکاملی و یادگیری ابتدایی همراه می شود. این نابرابری ها خود به تداوم نابرابری های اقتصادی اجتماعی کمک می نماید. در یک سیکل معیوب، کودکان خانواده هایی که منابع محدودی دارند نسبت به کودکان خانواده های مرفه از لحاظ تکامل ذهنی پیشرفت کندتری داشته و آمادگی آنها برای ورود به مدرسه و زندگی کمتر خواهد بود و این شکاف به آسانی از بین نخواهد رفت. گرچه کودکان نمی توانند رای دهند اما در نظر سیاستمداران، کودکان قوای تازه ای برای اقدامات اجتماعی و سیاستی فراهم می نمایند و در اجتماعاتی که کودکان هستند، توافق جمعی و انسجام بیشتر است. در کل، والدین دغدغه آینده کودکانشان را دارند و مشتاقند تا برای برآورده نمودن نیازهای آنها همکاری نمایند. قابلیت برنامه های تکامل ابتدای کودکی در زمینه بسیج نمودن و به حرکت درآوردن مردم ،

می تواند منجر به ایجاد مشارکت غیر متمرکز گردد. سرمایه گذاری در برنامه های تکامل ابتدای کودکی، یک نوع سرمایه گذاری در ایجاد شهروندانی تحصیل کرده تر است. ارتقا ساختار و محتوای آموزش های پیش دبستانی (یادگیری فعال، تعاملات گروهی و ...) منجر به شکل گیری رفتارهایی می شود که برای زندگی اجتماعی فرد مثمر ثمر خواهد بود بنیان اکثر برنامه های پیش دبستانی بر اساس یادگیری کودک از طریق انجام دادن، اکتشاف، سوال پرسیدن و حل مشکل است و معلمان پیش دبستانی ها بیشتر نقش تسهیلگری دارند تا نقش یک فرد دیکته کننده. برنامه های دوران دبستان نيز، بايد کودکان را به سمت سوال پرسیدن هدایت كنند.

6-افزودن اجزا تکامل دوران ابتدای کودکی به برنامه ها، سبب موثر تر واقع شدن سایر برنامه ها می گردد

انواع برنامه های اجتماعی (برای مثال برنامه هایی در زمینه تداوم حیات با تاکید بر سلامت و تغذیه، یا آموزش های دوران دبستان و یا برنامه های زنان در عرصه توسعه) با اضافه نمودن اجزایی از تکامل ابتدای کودکی موفق تر می گردند. برای مثال اگر برنامه های حمایت از والدین توسط بخش سلامت، در کنار سایر خدمات سلامت ارائه گردد، سلامت کودک بهتر تامين مي شود.(7)

ویژگی ها و نیازهای دوران کودکی و نوجوانی و اهمیت آنها

هر کودک، موجود منحصر به فردی محسوب می شود که دارای خلق و خو، سبک یادگیری و الگوی رشد مخصوص به خود است. هم چنان که کودک در مسیر تکاملی خویش به جلو می رود، به انواع مختلفی از محرکات و تعاملات نیاز دارد تا مهارت هایش پرورش یافته و کامل گردند. در جدول ذیل به برخی از ابعاد تکاملی و نیازهای کودکان از بدو تولد تا هشت سالگی اشاره گردیده است. در این جدول توجه به این نکته ضروری است که مهارت هایی که در ذیل " آنچه که کودکان انجام میدهند " ذکر گردیده اند، به ویژه از لحاظ تظاهرشان در عملکرد کودکان، همگانی نیستند. از طرفی دیگر، در خصوص مهارت ها نیز لازم است تا با ملاحظات فرهنگی انطباق داده شده و فرصتهای در دسترس کودکان برای پرورش مهارتها، دانش و توانایی مرتبط با آن سن نیز در آنها لحاظ گردند. (7)

* نیازهای تکاملی کودکان

|  |  |
| --- | --- |
| آنچه که کودکان انجام می دهند | آنچه که کودکان نیاز دارند |
| تولد تا سه ماهگی |
| آموختن درباره دنیا از طریق تمام حواس | محافظت در برابر خطرات فیزیکی |
| دنبال کردن افراد و اشیا با چشم ها | تغذیه کافی (تغذیه انحصاری با شیرمادر بهترین است) |
| پاسخ به چهره ها و رنگ های روشن | مراقبت های سلامت کافی( ایمن سازی، درمان کم آبی خوراکی در صورت نیاز، بهداشت) |
| شناخت دست ها و پاها | بزرگسالی که کودک با او احساس تعلق و وابستگی را در خود شکل دهد |
| بلند کردن سر و برگرداندن سر به طرف صدا | بزرگسالی که پیام های کودک را بفهمد و به آنها جواب دهد |
| گریه کردن ، اما با بغل کردن و دلجویی کردن ساکت می شود  | چیزهایی که کودک بتواند آنها را نگاه کند، لمس کند، بشنود، ببوید و بچشد |
| آغاز خندیدن | فرصت هایی که درآغوش گرفته شود، برایش آواز خوانده شود و تکان داده شود  |
| آغاز ایجاد حس خود بودن |
| چهار تا شش ماهگی |
| اغلب می خندد | همه موارد با لا، به علاوه: |
| والدین و خواهر و برادرهای بزرگش را ترجیح می دهد | فرصت های شناخت دنیا |
| کارهایی که نتایج جالبی دارد را تکرار می کند | محرکات کلامی مناسب |
| مشتاقانه گوش می دهد | فرصت های روزانه برای بازی با اسباب بازي هاي استاندارد |
| وقتی با او سخن گفته می شود، گوش فرا می دهد |  |
| می خندد و صداها را تقلید می کند |  |
| دست و پاهایش را می شناسد |  |
| اشیا را به دهانش می گذارد |  |
| با کمک می نشیند، غلت می زند، حرکات جهشی دارد |  |
| بدون استفاده از شست، به اشیا چنگ می زند |  |
| هفت تا دوازده ماهگی |
| وقایع ساده را به خاطر می آورد | تمام موارد فوق، به علاوه: |
| قسمت های مختلف بدن و صداهای افراد فامیل را تشخیص می دهد | دادن مکمل های غذایی جدید  |
| اسم خودش و سایر لغات رایج را درک می کند | فرصت هایی جهت شنیدن داستانهایی که برای آنها خوانده می شود |
| اولین لغت های معنی دار را بیان می کند | یک محیط امن که بتواند آن محیط را بشناسد |
| اشیا را تکان می دهد |  |
| اجسام مخفی را پیدا می کند، اجسام را در ظروف جا می دهد |  |
| به تنهایی می نشیند |  |
| چهار دست و پا راه می رود، خودش را راست نگه می دارد، راه می رود |  |
| ممکن است از غریبه ها خجالت بکشد و یا غریبی کند |  |
| یک تا دو سالگی |
| کارهای بزرگترها را تقلید می کند | علاوه بر مواردفوق: |
| حرف می زند و لغات و ایده ها را درک می کند | نیاز به حمایت برای کسب مهارت های جدید حرکتی، کلامی و تعقلی |
| از داستانها لذت می برد و دوست دارد اجسام را بیازماید | فرصت هایی برای ایجاد استقلال |
| با سعی و کوشش راه می رود، از پله ها بالا میرود | نیاز به کمک برای یادگیری چگونگی کنترل رفتار هایش |
| ابراز استقلال می کند، اما افراد خانواده را ترجیح می دهد | فرصت هایی به منظور آموختن نحوه مراقبت از خود |
| مالکیت اشیاء را تشخیص می دهد | فرصت هایی برای بازی و اکتشاف |
| روابط دوستانه ایجاد می کند | نیاز به بازی با کودکان دیگر |
| مشکلات را حل می کند | نیاز به قصه خواندن/ گفتن روزانه |
| در انجام دادن کارها احساس غرور از خود نشان می دهد |  |
| دوست دارد در امور کمک نماید |  |
| ادعای بازی دارد |  |
| دو تا سه و نیم سالگی |
| دوست دارد مهارت های جدید بیاموزد | علاوه بر موارد فوق، فرصت هایی برای: |
| به سرعت زبان یاد می گیرد | انتخاب کردن |
| همیشه در حرکت است | درگیر شدن در بازی های مهیج |
| به دست آوردن کنترل دست ها و انگشتان | خواندن آوازهای مورد علاقه |
| به سادگی مایوس می شود | کار کردن با پازل های ساده |
| مستقلانه تر عمل می نماید، اما هنوز وابسته است |  |
| سه و نیم سالگی تا پنج سالگی |
| محدوده توجه اش وسعت می یابد | علاوه بر موارد فوق: |
| گستاخانه عمل می کند | فرصت هایی به منظور تکامل مهارت های حرکتی ظریف |
| زیاد حرف زدن و زیاد سوال پرسیدن | تشویق به تکلم از طریق خواندن، صحبت کردن و آواز خواندن |
| خواستن چیزهای واقعا بزرگسالانه | فعالیت هایی که حس برتری مثبت را توسعه خواهند داد |
| توجه به کارهای هنری | فرصت های یادگیری همکاری، مشارکت و همیاری |
| آزمودن مهارت های فیزیکی و ترغیب به آزمودن آنها با احتیاط | آزمودن توسط مهارت پیش از خواندن و نوشتن |
| نشان دادن احساسات در بازی های مهیج | کمک کردن به ادامه شناخت دنیا به منظور یادگیری از طریق عمل |
| دوست دارد با دوستان بازی کند، دوست ندارد ببازد | فرصت هایی برای مسئولیت پذیری و انتخاب کردن |
| قسمت کردن و واژگون کردن اجسام | تشویق کامل شدن خود کنترلی، همکاری و ادامه دادن تا پایان یک کار |
|  | حمایت از احساس خود ارزشی و غرور کودک بعد از انجام موفقیت آمیز کار  |
|  | فرصت هایی برای بازگو نمودن خود( نقاشی کشیدن، رنگ کردن، کار کردن با خمیر و خاک رس) |
|  | تشویق خلاقیت |
|  | حرکات موزون |
|  | گوش دادن به موزیک هایی از انواع مختلف |
| پنج تا هشت سالگی |
| کنجکاو شدن در مورد مردم و اینکه دنیا چگونه کار می کند | علاوه بر موارد فوق: |
| توجه بیشتر نشان دادن به اعداد، حروف، خواندن و نوشتن | حمایت برای کسب مهارت های حرکتی، تکلمی و تعقلی بیشتر |
| خواندن | فرصت های بیشتر به منظور ایجاد استقلال |
| علاقه روز افزون به محصولات نهایی | فرصت های بیشتر برای خئد اتکایی در امور مراقبت شخصی |
| کسب اطمینان بیشتر در زمینه مهارت های فیزیکی | فرصت هایی برای ایجاد انواع وسیعی از مهارت ها |
| استفاده از کلمات به منظور بیان احساسات و سازگار شدن | حمایت برای تکامل تکلمی بیشتر از طریق آواز خواندن، صحبت کردن و خواندن |
| اشتیاق به پرورش فعالیتها |  فعالیت هایی که حس برتری مثبت را کاملتر می کند |
| برون گرا تر شدن و بازی های مشارکتی | فرصت های یادگیری همکاری، یاری و کار تیمی |
|  | حمایت از یادگیری از طریق دستکاری اشیاء |
|  | فرصت هایی برای مسئولیت پذیری و انجام انتخاب |
|  | حمایت از تکامل خود کنترلی و دوام آوردن تا پایان کار |
|  | حمایت از حس خود ارزشی و غرور بعد از انجام یک کار موفقیت آمیز در کودک |
|  | ایجاد انگیزه و ترغیب برای موفقیت های آکادمیک |
|  | فرصت هایی برای سوال کردن و مشاهده کردن |
|  | فرصت هایی برای آهنگ ساختن، انجام کارهای هنری  |
|  | توجه به آموزش پایه |

مغز کودک نه لوح سفیدی است که باید داستان زندگی بر آن نگاشته شود و نه مداری پیچیده که توسط ژن ها طراحی و کنترل می شود. از زمان نخستین تقسیم سلولی , تکامل مغزی ,  حرکتی موزون در عرصه میان ژن ها و محیط است . در حالی که ژن ها مراحل تکامل طبیعی را در مغز برنامه ریزی می کنند کیفیت این تکامل توسط عوامل محیطی ای تعیین می شود که هم بر مادر باردار و شیرده تاثیر می گذارند و هم بر کودک ، چنین عواملی نظیر تغذیه مناسب ، سلامت کافی , آب آشامیدنی سالم و محیطی امن و عاری از خشونت , سوء استفاده , بهره کشی و تبعیض , سهمی عمده در چگونگی رشد و تکامل مغز کودک دارند .

بی همتایی مغز آدمی فقط ناشی از پیچیدگی آن نیست ، بلکه ریشه در ویژگی هایی دارد  که  به آن توان خارق العاده تعامل با تجربیات را ارزانی می دارد. هر تماس , جنبش یا تحریک عاطفی به رخدادهای الکتریکی و شیمیایی ای بدل می شود که نیروی محرک ژنتیکی را پیش می بردوبه شیوه ای ظریف , شکل گیری مغز کودک را اصلاح می کنند . در تکامل اتصال های مغزی , تعامل بشر با محیط به اندازه غذایی برای خوردن , صدایی برای شنیدن و نوری برای دیدن تاثیر گذار است .

دوره هایی در زندگی وجود دارند که در آنها مغز با شدت بیشتری پذیرای تجربیات جدید و بهره اندوزی از آنهاست اگردر این دوره های حساس مغز از این تجربیات بهره کافی نبرد, امکان آموختن انواع گونا گون مطالب کاهش چشم گیری خواهد یافت .

انعطاف پذیری مغز به این معناست که در دوره های خاصی ,  تجربیات منفی یا فقدان محرک های خوب و مناسب به احتمال زیاد تاثیرات بسیار جدی تر و پایدارتری به جای می گذارند .وقتی که کودکان در مهم ترین زمان رشد خود از توجه کافی بی بهره می مانند , یا گرسنگی می کشند , مورد سوء استفاده قرار می گیرند یا از آنها غفلت می شود , رشد و تکامل مغزی آنها به مخاطره می افتد . بسیاری از کودکان که در وضعیت اضطراری , در بی خانمانی یا در شرایط پس از وقوع مناقشات زندگی می کنند , تحت فشارهای عصبی شدید و نا متعارف قرار می گیرند و شوک های عاطفی زیادی به آنها وارد می شود توانایی هايشان كاهش مي يابدو تنها برخی اتصال های مغزی آنان فعال می شوند و بقیه مغز هم چنان خاموش می ماند . در این سنین خاموشی برخی از اتصال های عصبی , موتور تکامل مغز کودک را از کارآیی کافی باز می دارد .هر چند که برای اثر گذاری و بهبود شرایط زندگی کودک هرگز دیر نیست ، مداخله زود هنگام تاثیر بسیار مثبت تری بر تکامل مغز کودک و توانایی یادگیری او خواهد داشت . روند تکامل کودکان را می توان با برنامه های مناسب ,  به موقع و با کیفیت که تجربیات مثبت برای کودکان و حمایت از والدین شان را در پی دارد , سرعت بخشید .گستره وسیعی از این مداخلات مثبت و موفقیت آمیز را می توان در نظر گرفت كه بعضي موارد آن عبارتند از: کمک به پدران و مادران جوان به درک دقیق تر معنای حرکات نوزاد , تو.صیه به خواندن قصه برای کودکان نوپا یا سر زدن به منزل والدین جوان و راهنمایی آنها و...

علاوه بر اين ،مراقبت و پرورش محبت آمیز در دوران نخست کودکی بر چگونگی رشد کودکان تا رسیدن به بزرگسالی و بر نحوه پرورش استعداد فراگیری و توان تنظیم عواطف شان تاثیری حیاتی و ماندگار دارد. کودکانی که در دوران شیرخوارگی و طفولیت از مراقبت های اولیه بی بهره بوده اند . اغلب نسبت به دیگران سوء ظن دارند و در اعتماد به  خود  و دیگران همواره  دچار     مشکل خواهند بود. کودکانی که در سال های نخست برای تنظیم و نظارت بر رفتارشان راهنمایی نشده اند به احتمال زیادتری در دوران مدرسه دچار اضطراب , ترس , و ناهنجاری های رفتاری و اجتماعی خواهند شد.

      موقعيت ها و زمينه هايي كه كودكان را به نحو شايسته اي در معرض مشاهده و يادگيري رفتارها و يا تكاليف مذهبي قرار مي دهند و آنان را در راستاي گرايشهاي فطري و ارضاي نيازها ي رواني خود تقويت مي كنند، مي توانند احساس رضايت قلبي آنان را به ارمغان آورده و در جهت درك بسياري از مسايل مذهب و دين ، راهنمايي و هدايت نمايند.
            براي رسيدن به چنين موقعيت متعالي نياز به زمينه سازي و آمادگي روان و عواطف كودكمان داريم تا در مراحل اوليه ي زندگي خود ، چهره ي شادمان و با نشاط والدين را پس از ارائه رفتار مطلوب تجربه نمايند و در مراحل بعدي حيات كه بعد عقلاني تكامل توسعه خواهد يافت رفتارهاي تقليد شده ي خود را موافق دريافت هاي فطري خويش ببيند و به تثبيت رفتارهاي مناسب و مطلوب خود اقدام نمايندو رشد و بالندگي آنان حاصل آيد.

عوامل تاثیرگذار بر تکامل دوران ابتدای کودکی:

این عوامل عبارتند از:

* فردی؛
* خانوادگی؛
* اطرافیان و همسایگان؛ارتباطات اجتماعی؛
* خدمات و برنامه های تکامل ابتدای کودکی؛
* محیط ملی و منطقه ای
* سطح جهانی ؛
* وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیدگاه های جنسیتی
* کودک

سال های اولیه عمر مهمترین زمان تکامل در طول عمر فرد محسوب می شود. در این سالها رشد و تکامل عصبی کودک چشمگیر است. اساس تکامل مغز نیز در این دوران است. پس تغذیه و محیط مواجهه مناسب موثر است و می تواند در صورت عدم تامین، تاثیر منفی بر رفاه اقتصادی اجتماعی و فیزیکی کودک داشته باشد. تغذیه مادر در دوران بارداری و تغذیه انحصاری با شیر مادر همگی بسیار مهم می باشند.

تعامل بین ژنتیک و فیزیولوژی و تجارب ونیز مواجهات محیطی در تکامل کودک نقش زیر بنایی دارند. اگر این اصول ضروری برآورده نشود بر تکامل فیزیکی، روانی و یادگیری در مدرسه نیز اثر گذار خواهد بود، هم چنین کودک مستعد ابتلا به عفونت شده و سیستم ایمنی وي قدرت کمتری خواهد داشت و در نهایت فرد مستعد ابتلا به بیماری های مزمن نیز خواهد بود .

قدرت تصمیم گیری مادر در خانه و نیز سطح سواد وی بر تغذیه کودک بسیار اثرگذار است. کوتاهی قد ناشی از سوء تغذیه مزمن ناشی از ترکیبی از عوامل محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که از دوران بارداری آغاز و در طول زندگی ادامه می یابد.

تغذیه کافی و مراقبت سلامت ، امنیت غذایی با ریز مغذی کافی، آب سالم، دسترسی به آموزش برای همه و حفاظت از آنها در مقابل بیماریها با واکسیناسیون از نکاتی است که در این دوران باید بدانها توجه شود.

محیط گرم و نزدیک خانوادگی، تنبیه نشدن، فرصتهایی در خانواده برای کشف دنیا، یادگرفتن اینکه چطور صحبت کند و به صحبت دیگران گوش فرا دهد، در این دوران اهمیت دارد.

نقش مرکزیتی بازی در تکامل کودکان که خود سبب تشکیل ارتباطات عصبی (سیناپس) بیشتری در مغز می گردد را باید در نظر داشت. بازی نقش اجتماعی کننده دارد. نوع بازی از کودکی به کودک دیگر، تحت تاثیر فرهنگ ، مراقبت کنندگان و والدین قرار دارد. برای مثال مادران و کودکانی که با اسباب بازی های دست ساز بازی می کنند و تمرکزی که بر یادگیری و اکتشاف در این بازی ها وجود دارد، تاثیر مستقیمی بر پیامدهای تکاملی اداراکی-حرکتی کودکان خواهد داشت . ولی موضوع بازی در سیاست دولتها در حاشیه قرار گرفته است . بنابراین باید کاری کرد که از راهی بتوان والدین و مراقبین را در زمینه نقش مهم بازی متقاعد نمود و آن را ارتقا و ترویج داد.

* خانواده:

خانواده در زمینه تکامل دوران کودکی تاثیر اولیه دارد. بیشترین محرک محیطی برای کودکان و کنترل کننده سایر ارتباطات کودک، خانواده است. مهمترین مشخصه پنهان خانواده ،منابع اقتصادی و اجتماعی آن است. منابع اجتماعی مانند مهارت والدین، شیوه های فرهنگی، وضعیت سلامت اعضا خانواده و منابع اقتصادی شامل ثروت و وضعیت اشتغال است که همگی در این قسمت مهم است. خانواده ها باید در خصوص این موارد تحت آموزش قرار گیرند .عوامل با تاثیر منفی در این حیطه عبارتند از فقر، وزن کم موقع تولد، سو تغذیه و عفونت، تعارضات و خشونت داخلی و مسائل روحی روانی والدین مثل افسردگی مادر. وضعیت اقتصادی اجتماعی بر وزن کم بدو تولد، احتمال خطر پوسیدگی دندانی، امتیاز پایین تست های شناختی، مشکلاتی در زمینه رفتاری و اجتماعی شدن و افزایش احتمال جدا شدن از مدرسه اثر گذار است. نقش پدران نباید دست کم گرفته شود، لذا درگیر نمودن پدران و آموزش آنها باید به عنوان یکی از استراتژی ها مورد توجه قرار گیرد. حمایت دولت از خانواده ها از اهمیت شایانی برخوردار است.

* شهروندی و ارتباطات اجتماعی:

شاخص هایی از قبیل متوسط سطح درآمد، درصد شهروندان با مدرک دیپلم، درصد شاغلان و بیکاران، مهم هستند وهرچه این شاخص ها بهتر باشند، موفقیت کودکان در مدرسه بیشتر خواهد بود. ارتباط معکوسی بین وضع اقتصادی اجتماعی جامعه و گستردگی مواجهه با عوامل آسیب زا از جمله آلودگی هوا، فضولات، آب ناسالم، سر و صدای بیش از حدو کیفیت بد محل سکونت وجود دارد. فضای فیزیکی در دسترس کودکان فرصتهایی را ایجاد می کند تا کودکان با بازی فراگیری شان افزون گردد و قدرت کشف آنها پرورش یابد که برای تکامل شناختی، حرکتی و روحی روانی آنها مناسب است. ایجاد موسسات و تسهیلاتی برای یادگیری و خلاقیت بیشتر کودکان، مهدکودک، تسهیلات طبی، دسترسی به حمل و نقل، فرصتهای شغلی. انسجام اجتماعی، قوانین و هنجارهای جنسیتی جامعه از موضوعات قابل توجه در این دوران است.

* برنامه ها و خدمات تکامل ابتدای کودکی:

این برنامه ها و خدمات باید کلیه جنبه های تکامل کودکان را در نظر بگیرد. دولت باید این برنامه ها را در سیاستهای حفاظتی اش داخل نماید. افزایش دسترسی کودکان به خدمات مراقبتی و آموزشی با کیفیت در دوران کودکی، با اولویت بر کودکان آسیب پذیرتربایستی به عنوان هدف کل جامعه باشد.

این برنامه ها و خدمات شامل موارد ذیل هستند:

تغذیه با شیر مادر- مراقبت از کودک- آموزش های ابتدای کودکی- تغذیه- اشکال مختلف حمایت خانواده، که شامل خدمات مهد کودک ها - پیش دبستانی ها- مراکز تکامل کودک مبتنی بر جامعه و خانه و......

.سایر برنامه های که به طور غیر مستقیم مرتبط اند شامل حمایت از والدین و مراقبین کودکان و برنامه هایی که دولت برای این قشر دارد، می باشد. حمایت از خانواده ها یا بازدید از منزل و مراکز خدمات سلامت، نقطه تماس مهمی بین خانواده ها و کودکان است و لازم است برنامه های تکامل ابتدای کودکی در این مراکز وارد شوند. اما نکته مهم این است که آموزش ، توانمندسازی و ایجاد تخصص در کارکنان این مراکز صورت پذیرد.

برای چنین کارهایی باید حساسیت فرهنگی ،آگاهی عمومی و احساس مالکیت اجتماعی ایجاد نمود و یک هدف مشترک به وجود آورد . ایجاد مشارکت بین جامعه، خانواده ها و والدین، ارائه دهندگان خدمات، افزایش ظرفیت جامعه از طریق درگیر کردن فعال خانواه ها و سایر ذی نفعان بسیار مهم است . برنامه هایی که بر اساس منابع و شبکه های موجود ساخته می شود اغلب از طریق مشارکت والدین، مراقبین سنتی کودکان و خواهران و برادران بزرگتر شکل می گیرد. این نوع از برنامه ها اغلب شامل آموزش والدین ، ایجاد گروه های حمایت والدین، بازدید از منزل و ابتکارات مراقبت از کودک مبتنی بر جامعه می باشد .

خدمات تکامل ابتدایی کودکی ممکن است برخی از ویژگی های خاص کودکان یا خانواده ها ازقبیلبچه های متولدشده با وزن کم یا خانواده های کم درآمد را هدف بگیرندویا اینکه در برخی از مناطق و محله ها ایجاد شوند. که هر کدام از اینها معایب و مزایای مربوط به خود را دارند. در هر صورت دولتها باید تلاش نمایند تا به اهدافی که در زمینه تامین خدمات و برنامه های تکامل ابتدای کودکی تمام کودکان دارند،دست یابند .ایجاد ارتباط بین برنامه ها و خدمات تکامل ابتدای کودکی با برنامه های مراقبت از سلامت سبب بهبود وضعیت بقای کودک خواهد گردید.

سیستم های مراقبت از سلامت موقعیت منحصر بفردی در این زمینه دارند چون با سلامت فرد و جامعه مرتبط اند و می توانند متخصصان آموزش دیده ای را در این زمینه به کار گیرند ونیز تسهیلات و خدمات منحصر بفردی را تامین نمایند و به عنوان اولین سطح تماس با مادران در سن بارآوری مشورت و راهنمایی های لازم را ارائه نمایند. اغلب مادران کودکان خود را از سنین پایین به این مراکز می آورند، پس چنین مراکزی با والدین و کودکان جامعه تماس موثر ومفیدی برقرار می نمایند .

* سطح منطقه ای و ملی:

اختلافات موجود در وضعیت تکاملی کودکان می تواند از شرایط کلان محیطی (درسطح ملی وبین المللی) نشات گیرد. موثر ترین برنامه ها و خدمات دولت ها در سطح منطقه ای رخ می دهد.سیاستهایی که به طور غیر مستقیم در این دوران تاثیر می گذارند اغلب در سطح ملی و منطقه ای تصویب می شوند. حکومت های ملی باید مسئول تعهداتشان نسبت به اهداف توسعه هزاره باشند.

* سطح جهانی:

کوشش جهانی زیادی در این زمینه خصوصا برای ایجاد فرصتهای جدید و کم کردن تفاوت ها وجود دارد. قوی تر شدن تعهدات سازمان جهانی بهداشت و جامعه بین الملل یک مکانیسم حمایتی تاثیرگذار است. همچنین یونیسف ،یونسکو ، بانک جهانی و... برنامه های موثری را در جهت ارتقا تکامل همه جانبه کودکان در دستور کار خود دارند.

* وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیدگاه های جنسیتی

با فراهم آوردن " آغازی منصفانه " برای کودکان، این امکان به وجود می آید که بی عدالتی های اجتماعی، اقتصادی و جنسیتی مرتبط تعدیل گردند. در واقع شرایط ناسالم و استرس زایی که در اثر فقر ایجاد می شود، با نابرابری های تکاملی و یادگیری ابتدایی همراه شده و خود به تداوم نابرابری های اقتصادی اجتماعی کمک خواهد نمود .

مراحل رشد وتکامل کودکان وبرنامه سازی برای ایشان :

ژان پیاژه روانشناس سویسی (1980-1896) بر توانایی کودک در درک جهان به طور فعال تاکید بسیار می کند و عقیده دارد کودکان به طور انفعالی اطلاعات را جذب نمی کنند بلکه آنچه را که در دنیای پیرامون خود می بینند، می شنوند و احساس می کنند و در نهایت انتخاب و تفسیر می نمایند.وی همچنین عقیده دارد که انسانها از چندین مرحله مشخص رشد و تکامل شناختی، یعنی یادگیری "اندیشیدن" در باره خودشان و محیطشان می گذرند.او سالهای تولد انسان تا پانزده سالگی را به چهار مرحله از لحاظ رشد شناختی و به شرح زیر تقسیم بندی می کند.

1. مرحله "حسی- حرکتی" از تولد تا دو سالگی که این مرحله و اصولا آموزش کودکان در این مرحله به آنچه در خانواده شان میگذرد منحصر می شود و رسانه ها معمولا برنامه ی خاصی برای این بخش طراحی و تدوین نمی کنند

2. مرحله بعد از مراحل رشد شناختی انسان مرحله "پیش از عملیاتی" است مرحله ای که در آن کودک بر زبان تسلط پیدا می کند و میتواند از کلمات برای نشان دادن اشیا و تصاویر به شیوه ای نمادین استفاده کند .همچنین در این دوره کودک "خودمدار" است و جهان را بر مدار موقعیت خویش تفسیر و دریافت می کند.این دوره از سن دو تا هفت سالگی طول می کشد و کودکان عضو در این مرحله، جامعه هدف اعم برنامه های خردسالان را تشکیل می دهند.و با توجه به اینکه هنوز وارد فضای مدرسه نشده اند به طور طبیعی بیشترین نیاز خود را به آموزش از طریق خانواده ،اطرافیان و رسانه ها کسب می کنند.

3. مرحله سوم از مراحل رشد شناختی انسان مرحله "عملیات عینی" است که از سن هفت تا یازده سالگی طول می کشد و در طی این مرحله کودکان بر مفاهیم انتزاعی منطقی تسلط می یابند می توانند مفاهیمی مانند اینکه دلیل فلان چیز چیست را درک کنند،در این مرحله کودکان از آنجا که وارد محیط مدرسه شده اند تا حدی از میزان مصرف رسانه ای آنها کاسته می شود و برخی موارد را در مدرسه و یا از گروه همسالان خود دریافت می کنند و همین مرحله آغاز راهی است که ممکن است کودکان با اتکا به شناخت خود در برابر پیامهای خسته کننده و یا غیر دلخواهی که از رسانه برایشان پخش می شود مقاومت کنند و دست به گزینش پیامهای رسانه ای بزنند.

 4. چهارمین دوره را"عملیات صوری" می نامند،مرحله ای که سالهای یازده تا پانزده سالگی یک کودک را در بر می گیرد و در آن کودکی که در حال رشد است توانایی درک اندیشه ای فوق العاده انتزاعی و فرضی را پیدا می کند، در این مرحله کودک با گذشتن از مرز خردسالی و پشت سر گذاشتن دوران ابتدایی در آستانه ورود به دوره ای از زندگی خویش است که میتوان به جرات آن را مهمترین دوره شکل گیری شخصیت اجتماعی افراد دانست دراین دوره (نوجوانی) باید توجه داشت که به سبب درک و انتزاع قوی تر نسبت به دوره های سنی قبلی میزان انتخاب و گزینش نوجوان در میان برنامه ها و پیامها بیشتر خواهد شد و همچنین میزان تاثیرپذیری از برنامه های مورد قبول نیز بیشتر از میزان تاثیر پذیری سایر سنین است. با نگاهی به این تقسیم بندی میتوان اینگونه نتیجه گرفت که دربیشتر موارد برنامه سازانی که کودکان را جامعه هدف خود قرار داده اند ، عموما تفکیکی بین این مراحل قائل نیستند چرا که نه شکل برنامه ها و نه محتوای برنامه هایی که برای کودکان ساخته می شود هیچکدام ازاین طبقه بندی تبعیت نمی کنند.این برنامه ها در شکل و فرم اجرا غالبا برنامه هایی هستند که با حضور یک مجری شاد یک طراحی دکور رنگین و میان برنامه های متعدد اجرا میشود؛در اغلب این برنامه ها مجری که سعی در کودکانه صحبت کردن و شاد نشان دادن خود دارد سعی می کند به ضرورت برنامه های اموزشی در جای جای برنامه پیامهایی را به کودک القا کند، و متاسفانه همین حالت به سنین بالاتر و برنامه هایی که برای گروه های سنی بالاتر نیز ساخته می شود تسری یافته و به عنوان مثال برای برنامه نوجوانان همین فضا با اندکی لحن عارفانه و پیامهای آرمانگرایانه تر آمیخته می شود اما آنچه در این میان بیشتر به چشم می آید این است که اغلب این پیامها نه در راستای اجتماعی شدن کودکان بر حسب زمانه و روزگار خود که بیشتر پیامهای اخلاقی خشک و کسل کننده ای هستند که به تکرار در برنامه های متفاوت از آنها استفاده شده است.

* **دنیای کودکان و نسبت ما با آن**

باید توجه داشت که در برنامه سازی برای کودکان باید بیشترین دقت نظر را لحاظ کرد چرا که این گروه بی شک فردای جامعه را خواهند ساخت . تربیت نسلی که خوب رشد نیافته و اجتماعی نشده باشد قبل از هرچیزی بواسطه ناهنجاریهای اجتماعی اش برای کشور مشکل ساز خواهد شد .و این دقت باید در تلویزیون بیشتر از همه رسانه ها باشد چرا که کودکان بیشترین ساعات خود را در مراحل سه گانه رشد خود یعنی از دو تا پانزده سالگی به آن اختصاص می دهند.کودکان از دنیایی می آیند که دنیای انتزاع و تخیل است دنیای که در آن کودکان خود را محور و اساس جهان می دانند و تمام دعوای والدین با کودکان خویش نیز بر سر این است تا قواعد زندگی در جهان واقع را به آنان بیاموزند و به آانها یاد بدهند که زندگی در جهان واقعی مستلزم چه رفتارهایی است.پس باید توجه داشت که در تهیه هر برنامه ای برای کودکان این واقعیت لحاظ گردد که این برنامه ها نباید از دنیای خیالات کودکان به دور باشد و یا كلا در خیالات سیر کند بلکه باید برای کودکان برنامه هایی ساخت که پلی میان آنچه آنها دارند و آنچه ما می خواهیم به آنها بدهیم باشد چرا که تنها این گونه است که کودک در میان داشته ها و باید ها دچار تعارض نمی شود و پر واضح است که در چنین حالتی صحبت از مفاهیم مجرد واصول اخلاقی که کودک نه در خیالات و نه در عالم واقع همتایی برای آن نمی بیند ،بیشتر ازآن که مفید باشد ،به تعارض کودک دامن زده و رشد او را به تاخیر می اندازد.

* توجه به شناخت و آموزش و پرورش كودكان استثنايي

 توجه به شناخت و آموزش و پرورش كودكان استثنايي، (افرادي كه به دلايل خاص جسماني، ذهني، عاطفي و رواني نمي توانند از برنامه هاي عادي آموزشي به نحوي مطلوب بهره مند گردند) ، از نشانه هاي پيشرفت ، اصالت و غناي فرهنگ و نظام آموزش و پرورش هر جامعه اي است.
    كوشش در جهت شناسايي ، برنامه ريزي و ايجاد تسهيلات آموزشي افزون تربراي كودكان استثنايي از اهداف ویژه نظام های آموزشي مترقی است. مطابق ارقام و آمار بين المللي حدود ۱۰ الي ۱۵ درصد از كل دانش آموزان سنين مدرسه در هر جامعه اي نياز به برنامه هاي آموزشي ويژه دارند. نگاهي كوتاه به آمار كل دانش آموزاني كه در حال حاضر زير پوشش آموزش و پرورش استثنايي قرار دارند بيانگر اين حقيقت است كه امروزه فقط كمتر از يك درصد از كل اين قبيل دانش آموزان واجب التعليم از برنامه هاي آموزش استثنايي برخوردار هستندو اين موضوع از مسئوليت اولياي امور در تهيه و تنظيم برنامه هايی جامع در جهت شناسايي چنین کودکانی ونیز آموزش و پرورش ایشان خبر مي دهد.

* توجه به خانواده
توجه به اين مسأله كه خانواده به عنوان نخستين نهادي كه كودك در آن پرورش مي يابد و پدر و مادر به عنوان نخستين مربياني كه در ساخت شخصيت فرداي فرزند خود نقشي حساس و اساسي دارند، ضروري است. توجه به خانواده درهر جامعه ای ، نشانگر رشد آن جامعه است. تغذيه صحيح مادر باردار و اعمال و حركات و رفتار وي در بنیان جسمی و رواني ،معنوي كودك بي نهايت مؤثر است.
    اگر بخواهیم كه كودكانی باهوش و خلاق در جامعه داشته باشيم بايد اصولاً والديني با سلامت بدني و فكري كامل داشته باشیم. بدون شك بايد سوابق تحصيلي پدر و مادر و چگونگي وضع فكري و هوشي آنان را هم در نظرگرفت و خانواده ها را آموزش داد تا حين بارداري و پس از آن چگونه با كودك خود رفتار نمايند تا كودكي سالم و پرتوان از نظر جسمي و فكري داشته باشند .روابط صحيح خانوادگي و محيط گرم وصميمانه خانه در رشد عاطفي كودك مؤثر است. پدران و مادراني كه هر دو فعاليت خارج از منزل دارند و حتي در مواردي جز تعطيلات پايان هفته فرزند خود را نمي بينند تا به او محبت كنند به سختی خواهند توانست در وي ايجاد محبت نموده، طريقه صحيح روابط اجتماعي را به فرزند خود بياموزند.
    سخن گفتن كودك در خانواده هايي كه مادر بيشتر با فرزند خود است و مرتب با او حرف مي زند به مراتب با تكلم كودكي كه پدر و مادر خود را جز چند ساعت در هفته نمي بيند متفاوت است. سالهاي اوليه زندگي كودك بايد پر از محبت، صحبت و رفتار صحيح باشد. سالهاي قبل از مدرسه به عنوان سالهاي رشد و نمو جسمي و عاطفي كودكان ، سالهای مهمی در توسعه فكري، ازدياد دانش لازم و آگاهي به مسائل فردي و اجتماعي مي باشد. بر پدر و مادر است كه كنجكاوي كودكان در این سنین را به نحومطلوبی اغنا نمايند، در تربيت حواس او بكوشند و تكامل اعضاي حسی او را مورد توجه قرار دهند. كودكي كه در خانواده منضبطی پرورش مي يابد منظم و با انضباط رشدخواهدیافت و اين انضباط تا پايان عمر با وي خواهد بود.
    به كودكان بايد با رعايت سن و طرز تفكرشان آزاديهايي داد. در انتخاب لباس، پوشيدن جوراب و يا تمايل به غذايي خاص مي توان نظرات آنها را محترم شمرد و در انجام برخي كارهاي خانه آنان را شريك نمود. هر چه كودك متفكرتر و از هوش بيشتري برخوردار باشد، زود رنج تر خواهد بود و رفتار نامناسب اثرات سوء بيشتري در او خواهد گذاشت. به هر حال این پدر و مادرهستند كه می توانند به رفتارکودک شكل داده و او را منضبط و انعطاف پذير بار آورند تا در دوران كودكستان و مدرسه، مربيان متخصص ، كار آنها را دنبال كنند.
آموزش و پرورش كودكان تيزهوش
  كنجكاوي و کندوکاو پيرامون افراد تيزهوش و بااستعداد سابقه بسيارطولاني دارد و احتمالاً به زماني برمي گردد كه براي نخستين بار انسان علاقه مند شد بداند چرا افراد با هم متفاوتند. در جوامع مختلف درهر دوره افرادي بوده اند كه از خود توانايي ها و برجستگي هاي خاصي را نمايان ساخته و موجب برانگيختن حس كنجكاوي مردم شده و مورد سوءظن و نفرت و يا ترغيب و تشويق آنها قرار مي گرفته اند.
    در يونان قديم افلاطون عقيده داشت كه باید كودكان باهوش را در سنين كودكي یافت و به آنها به طور اختصاصي علوم و فلسفه تعليم داده شود.
همچنین اومعتقد بود كه بقاي دموكراسي يونان بستگي به توانايي آن كشور در آموزش و پرورش افراد بااستعداد و برجسته خود جهت رهبري جامعه دارد..
    در همان زمان عقيده عموم بر آن بوده كه نبوغ و تيزهوشي هديه ای الهي و دريچه اي است به علم لايتناهي كه شخص را قادر مي سازد به عمق حقيقت پي برده مرگ و فنا را از زندگي دوركند.
    مفهوم نبوغ و استعداد هميشه نسبي بوده و درطول تاريخ در ميان اقوام و جوامع مختلف به يك معني نبوده است. انسان همواره قادر به انجام كارهاي فوق العاده و كسب مهارت هاي بي شماري بوده است. اما اين كه كدام عمل و مهارت او ناشي ازاستعداد و نبوغ فوق العاده او مي باشد منوط به قضاوت جامعه اي است كه در آن زندگي مي كند. قضاوت جوامع درطول تاريخ هميشه در تغيير و تكامل بوده و ترغيب و تشويق افراد سرآمد ، دستخوش عقايد و تحولات گوناگون بوده است.
    با ظهور اسلام و تبليغ و تشويق تحصيل علوم و فنون مختلف، نهضت تازه اي در شرق و سپس بتدريج در غرب صورت گرفت. در اين دوران، تاريخ شاهد نوابع بزرگي در علوم رياضي ، پزشكي، فلسفه و ادبيات ، هنر مي باشد.
    پيشرفت و بهبود تسهيلات و امكانات متعدد جهت كودكان تيزهوش نياز مبرمي به حمايت و پشتيباني و تشويق مردم داشته و دارد.
    بالا رفتن دانش و آگاهي همگاني نسبت به شناسايي، تعليم ، تربيت و جايگزيني صحيح كودكان تيزهوش عامل مؤثري در انجام هرچه بيشتر تحقيقات و ايجاد تسهيلات گسترده تر در زمينه هاي مختلف علمي و فني براي كودكان سرآمد مي باشد. تنها در اين صورت مي باشد كه جوامع قادر خواهندبود از ثروت هاي واقعي خود يعني افراد مستعد و هوشمند در خدمت به خلق و ساختن جامعه برتر حداكثر بهره را برده و از استخدام و استثمار نيروي خلاق خود توسط کشورهای بیگلانه از هرزرفتن اين نعمت سرشار هوشي و خلاقيت ها جلوگيري نمايند.

   مسأله شناسايي استعدادهاي درخشان و تشخيص تفاوتهاي فردي از جمله وظايف و مسئوليت هاي خطير مربيان و معلمان و اولياي نظام آموزشي هر جامعه در برنامه ريزيهاي تعليم و تربيت براي كودكان و دانش آموزان مي باشد.

 البته همواره بايد توجه داشت كه:
    ۱- تفاوتهاي فردي در برنامه ريزي آموزشي از اهميت ويژه اي برخوردار است.
    ۲- در بين دانش آموزان، استعدادها و توانايي هاي گوناگوني موجود است كه لازم است به آنها توجه فراوان نمود.
    ۳- تنوع استعدادها را مي توان هر چه زودتر در بين كودكان شناخت.
    ۴- ايجاد امكانات و تسهيلات ويژه براي شكوفايي و پرورش استعدادها از ضروريات جامعه آزاد و مطلوب مي باشد.
    در هر حال بايد نيازهاي آموزشي كودكان با استعداد را به نحوي متناسب و مطلوب فراهم كنيم زيرا جامعه به وجود اين افراد سخت نيازمند است. بويژه جامعه كنوني ما كه با انقلاب شكوهمند اسلامي براي استقلال و آزادي واقعي بهاي سنگيني پرداخته است، سخت به نيروي انساني متعهد و متخصص در رشته هاي مختلف نيازمند است. سرمايه گذاري در اين زمينه و كمك به رشد و پرورش استعدادهاي كودكان تيزهوش يك ضرورت حياتي در رشد و خودكفايي همه جانبه جامعه قلمداد مي گردد.

اسلام و تربیت کودک:

   براي بررسي جايگاه پرورش حس ديني در تربيت ديني كودكان لازم است اصول تربيت ديني كودكان مورد توجه قرار گيرد وسهم پرورش حس ديني در گرايش به دين و مذهب و دين باوري مشخص شود تا بهتر بتوانيم از اين ابزار در جهت هدايت فرزندانمان استفاده ي مطلوب داشته باشيم.
موضوع تربیت فرزند، از دیرباز جزو موضوعات اساسى و بنیادى اسلام بوده است. در دنیاى امروز با توسعه و رشد مهارناپذیر تكنولوژى و پیشرفت‏هاى چشمگیر آن، و نیز در عصر رویكرد دوباره بشر به دین ، تربیت فرزند، هم‏چنان چشم‌گیر مى‏نماید. امروزه حتى خانواده‏هاى غربى نیز به خوبى دریافته‏اند كه بازى‏هاى رایانه‏اى، سایت‏هاى سرگرمى، چت‏هاى اینترنتى، تلویزیون، سینما، و ... نیازهاى روحى فرزندشان را تأمین نمى‏كند و بنیان خانواده را اكسیرى جز تربیت صحیح فرزند، استوار نخواهد نمود .

از ویژگیهاى دین اسلام تاكید بر پرورش همه ابعاد زندگى ‏انسان است. هر چند در تربیت اسلامى پرورش ابعاد معنوى هدف اصلى و نهایى‏است؛ اما دستیابى به آن هدف بزرگ در پرتو داشتن جسمى سالم و روانى با نشاط ‏امكان ‏پذیر است. در سیره تربیتى امام رضا(ع)، علاوه بر تاكید بر سایر ابعاد، به رعایت ‏بهداشت، تغذیه سالم و نیز عوامل غیر مادى مؤثر در سلامتى مانند صدقه ‏و عقیقه توجه خاص شده است.

كارشناسان تربیت كودك اذعان می دارند، بهترین دوره براى تربیت فرزند، دوران كودكى است. زیرا در این سنین حس تقلید و نیز حس پذیرش آموزه‏هاى تربیتى، در سطح بالایى از توانمندى قرار دارد و كودك به خوبى آن‏ چه را كه به او آموخته مى‏شود، فرا مى‏گیرد. امیرالمؤمنین علیه‏السلام به فرزند خود امام مجتبى علیه‏السلام مى‏فرماید: «قلب كودك نورس همانند زمین كاشته نشده، آماده پذیرش هر بذرى است كه در آن پاشیده شود. از این‏ رو در تربیت تو شتاب كردم، پیش از آن‏ كه دل تو سخت شود و اندیشه‏ات به چیز دیگرى مشغول گردد، تا به استقبال كارهایى بشتابى كه صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را كشیده‏اند و تو را از تلاش و یافتن بى‏نیاز ساخته‏اند.»

رسول خدا صلى‏ الله ‏علیه ‏و آله در مورد تربیت از سنین كودكى فرموده‏اند: "مَن رَبّى صَغِیراً حَتَى یَقُولُ لااِلهَ اِلاّ اللّه لَمْ یُحَاسِبهُ اللّهُ"؛ هر كس فرزندش را از كودكى تربیت كند تا او بتواند بگوید لا اله الا الله، خداوند از او حساب نخواهد كشید

 درسیره تربیتى امام رضا(ع)، بر تدریجی بودن تربیت، [انتخاب همسر صالح و شایسته](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#1- تدریجى بودن تربیت) ،  [رعایت آداب ازدواج](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#ب) رعایت آداب ازدواج)، [مراقبتهاى ایام باردارى](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#ج) مراقبتهاى ایام باردارى) ، [نامگذارى](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#3- نامگذارى) مناسب، [مراقبت از كودك](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#4- مراقبت از كودك)، [كودك و سلامتى](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#5- كودك و سلامتى) ،[صحبت‏ با كودك](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#6- صحبت‏ با كودك)، [محبت](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#7- محبت) ،  [احترام](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#8- احترام)، [تشویق](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#9- تشویق) وی ، [نظارت والدین](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#10- نظارت والدین) بر کودک،  [خود اتكایى](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#11- خود اتكایى) و [پرورش بعد عقلانى](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=20991&KEYWORD=+%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85#12- پرورش بعد عقلانى) در دوران کودکی تاکید ویژه ای شده است.

اسلام عالیترین توجه را به کودک دارد، آیاتی که نسبت به حقوق کودک در اسلام وجود دارد و نیز روایات موجود همه حکایت بر اهمیت اسلام به کودکان و حقوق ایشان دارد. رسول اکرم(ص) بیان می دارد که همانطور که پدران و مادران ، حقوقی بر فرزندان خود دارند و فرزندان در صورت ترک آن حقوق عاق می شوند ، فرزندان نیز حقوقی بر پدر و مادر دارند که " پدران و مادران در صورت رعایت نکردن آن عاق فرزندان می گردند." والدین مسئول تأمین تمام نیازهای کودک اعم از مادی و معنوی می باشند . نیازمندیهای جسمانی کودک از قبیل نمو جسمانی کودک با فراهم ساختن وسایل مادی امکان پذیر است . این رشد و نمو با تغذیه ، بهداشت کافی ، آب و هوا ، مسکن ، خواب ، بازی و امثال آن ، به دست می آید. تعلیم ورزش به کودک از نکات دیگری است که در آموزه های دینی توجه زیادی بدان معطوف گردیده و بیان شده که حرکت و جنبش ، اساس هر عمل غریزی و پایه وظایف حیاتی است که زندگی شاداب و سلامت درگرو آن است . امام صادق (ع) می فرماید : " باید – خصوصا – هفت سال اول زندگی کودک آزادانه به بازی و جنبشهای بدنی صرف شود." حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: " اگر کسی دارای طفل خردسالی بود باید با او در جنبشهای کودکانه و حالت بچه گانه همکاری و هماهنگی نماید."

حضرت رسول اکرم (ص) در تبیين جايگاه فرزندان امتش در جهان آفرينش مي فرمايد "هر آينه نوزاد امتم نزد من محبوب تر از آنچه خورشيد بر آنان مي تابد مي باشد"

هم چنین بیان گردیده که در وجود انسان ، بذرهاي سعادت و خوشبختي نهفته است که با پرورش صحيح، هر يک از آنها شجره طيبه خواهد بود که در تعالي و کمال انسان نقش بسزايي دارد که يکي از آن بذرهاي سعادت داشتن فرزند صالح است که پيامبر فرمودند:" سعادت انسان در داشتن دوستان صالح و فرزند نيکوکار است."

رفتار فرزند بجز آداب اکتسابي او از جامعه، بيانگر فرهنگ و اخلاق، ايمان و ارزش هاي حاکم نهادينه شده بر وجود والدين و خانواده است. پدر و مادر بذر کمالات وجودي خويش را در وجود فرزندشان پرورش مي دهند. به بیان دیگر فرزندان، آن گونه که مي خواهيم پرورش نمي يابند، بلکه آن گونه که هستيم، خواهند بود و از اين رو است که پيامبر اعظم(ص) فرمودند خداوند متعال فرزند را با فطرت سالم  سعادتمند به انسان عطا مي فرمايد، رسول گرامی اسلام همچنین بر کوشا بودن پدر و مادردر تربيت فرزندان دستور داده و فرمودند: فرزندانتان را گرامي بداريد و آنان را به آداب نيکو بيارائيد. يکي از مصاديق مهم اکرام فرزندان و تربيت او تشويق و ترغيب انها به نماز و ارتباط با آفريدگار يکتا مي باشد. توجه به اصول زير براي پرورش معنوي كودكان ضرورت دارد:

الف: اصل آگاهي و معرفت
      براي فراهم آوردن زمينه هاي مساعد و غني و تسهيل رشد مفاهيم و عقايد ديني نيازمند شرايطي ويژه هستيم ، از آنجا كه كودگان داراي تقكر عيني و حسّي هستند لزوم دقت نطر دراين اصل ضروري به نظر مي رسد زيرا:
1) براي آموزش مفاهيم بايد فهم كودكان را به خدمت گرفت ، به كارگيري تفكر عيني كودكان براي فهم مسائل معنوي تقريباً ناممكن خوااهد بود ، زيرا كودك دنياي پيرامون خود را از طريق دريچه حسّي خود نظاره خواهد نمود.
2) ارائه هر مبحث و مسئله اي ازمذهب بايد با توجه به ميزان توانائي و درك مطلب و فهم كودك صورت گيرد ، بديهي است موقعيت سني كودكان محدوديت هاي زيادي درجهت ارائه مفاهيم بجاي خواهد گذاشت.
      3) ارائه رهنمود هاي ديني و گفتار بزرگان دين در سنین کودکی ، در موقعيتي صورت مي گيرد كه كودك به چرائي آنها آگاه نخواهد شد و انگيزة كمتري براي جذب و عمل به گفته ها خواهد داشت .
      آنچه در اين بین برجسته خواهد بود ، مستعد سازی وآماده نمودن زمينه هائي براي آزمودن تجربيات و احساسات خواهد بود تا از طريق توجه به نتايج رفتار و ميزان موافقت و تقويت ديگران بتواند رفتاري را دروني نمايد.
      اگر بخواهيم رهنمودهاي ديني و گفتار بزرگان در زندگي كودكان دارای اثرباشد، بايد به برجسته سازي شخصيت هاي مذهبي و ديني اقدام نمائيم تا از طريق دوستي و موانست با معصومین ونیز شخصيت هاي مذهبي و ديني ، کودکان بتوانند به رفتارهاي تقليدي مطلوب دست يابند .
      بديهي است اصل آگاهي و معرفت در تربيت ديني كودكان به برجسته سازي احساس و عواطف آنان تكيه خواهد داشت.

ب: اصل شعور و احساس
      دراين اصل سعي برآن است كودكان را به مشاهده و توجه بيشتر به احساسات و تجربيات ديگران و برانگيختن عواطف و شور مذهبي وادار نمائيم ، اين تحريك و برانگيختگي مي تواند متاثر از موقعيت هاي زير باشد .
      ¨ آشنا كردن كودكان با مراسم ، دستجات ، جماعات و عبادت هاي جمعي
      ¨ ديدن هيجانات ، شاديها ، اشکها و ناله ها (جشن ها وعزاداری های مذهبی)
      ¨ افزايش شوق كنجكاوي و فراهم آوری فرصت براي كشف طبيعت و فطرت كودك به دست خودش
      تكيه اين اصل بر تقويت شعور و احساس آدمي است . اين اصل در موقعيت سني كودكان به مراتب اثرگذارتر و مفيدتر خواهد بود .

ج: اصل رفتار و عمل
      در اين اصل سعي بر آن است دستورات اخلاقي و پسنديده توسط کودک ،درعملکردوالدین ومراقبین وی مشاهده شود. به صورتی كه كودك از طريق مشاهده عملکرد اعضای خانواده ومراقبین متوجه حقيقت شده و با عادات مذهبي از این طریق درفطرت او نهادینه شده و با ميل و علاقه به طاعات و عبادات خداوندي بپردازد .
       در اين اصل نيز جايگاه احساس به جهت قبول الگو و ا يجاد عادت هاي اوليه و شروع به عمل مورد توجه است دقت و تفكر منطقي در اين اصول جايگاه بارز احساس به عنوان زير بناي رفتاري كودكان را نمودار خواهد ساخت وروشي را براي مربيان فراهم خواهد نمود كه به احساسات كودكان و پرورش حس ديني آنان توجه خاصي را مبذول نمايندو از مسير پرورش اين حس درسعادت و سلامت آتي كودكان نقش مهمی راایفا كنند.  به خدمت گرفتن احساس كودكان در جهت نمودار سازي لطف و احسان خداوندي است كه منشاء اصلي هدايت مي باشد. اگر بتوانيم جايگاه اين مهم را در ضمير و باطن فرد مؤثر و برجسته نمائيم به درجات بالايي از هدايت دست يافته ايم .
       براي مثال اكرام و احترام بر فرزندان مي تواند تأمين كننده ي عزت و كرامت آدمي باشد ،آن گاه كه اين حس پرورش يابد فرد معني تفضل خداوند كه او را به مرتبه اشرف مخلوقات ارتقاء داده است را مي فهمد و تأثير آن رضايت فرد از زندگي خويش است چون كرامت را مي فهمد از درگير شدن با خواهش هاي نفساني ذلت آور پرهيز مي نمايد و عظمت وجود او مانع بروز خطا و گناه در محيط اجتماعي خواهد شد .
       در سلام كردن بر كودكان نيزمي خواهيم عليرغم بازگشائي راهي به ارتباط انسانيي ، نمودي از ادب را جلوه گر سازيم ، اين حس كه معادل برجسته سازي شخصيت و اهميت دادن به اشخاص است راه را بر حسد نسبت به ديگران مي بندد و همواره بزرگي خداوند را بياد مي آورد كه چنين احترامي متأثر از ديانت و دين و هدايت جاودان پيامبران الهي است پس احترام و سپاس نسبت به خداوند لازمه ي عبوديت انسان است .
       در رفتار عادلانه نسبت به كودكان ميخواهيم با لمس خوبي عدالت او را از فشار نارواي ظلم مصون ساخته ،جايگاه اصلي خداوند و رفتار عادلانه او را مجسم سازيم ودر به كارگيري احساس شادي و سر زندگي ،ايجاد طراوت و بهجت نشان دهنده ديد مثبت به زندگي ،اميد و آرزوهاي مثبت خواهيم شد تا آنها نيز بتوانند رفتار و اعمالي را داشته باشند كه رضايت خداوند را بوجود آورد .
       در ارتقاء حس وفاي به عهد نشان دهنده ي تعهد خداوند در برنامه هدايتي دين هستيم وعده هايي كه اگر اميد به تحقق آن نداشته باشيم در ابتداي راه مانده ايم و محرك لازمي براي حركت وجود نخواهد داشت .
       پس لازم است محققانه و با ريز انديشي عالمانه جايگاه اصلي پرورش حس ديني را بشناسيم و در برخورد با كودكان حداكثر استفاده سودمند و مناسب از اين ابزار را بعمل آورده و احساسات دروني كودكان را بخدمت بگيريم تا بتوانيم از اين مسير زمينه هاي هدايت را فراهم آورده و زمينه هاي انحراف و نا راستي را بخشكانيم تا كودكان ما متخلق به اخلاق الهي شده سعادت و نيكبختي دنيا و اخرت خود را بدست آورند ،انشاء ا... .

رفتارهاي مؤثر در پرورش حسِ ديني
      در حيات عاطفي انسانها ، برخوردها و رفتارهاي سازنده و حركت آفريني وجود دارند كه مي توانند تأثير بسزايي در روند هدايتي انسان داشته ، نيروي لازم براي ادامه حركت را فراهم آورند.
      برخي متخصصين علوم ديني معتقدند كه اصل تربيت و پرورش هنگامي صورت ميگيرد كه راه هدايت وتكامل معرفي و شناخته شود و سپس نيروي موجود در ضمير آدمي (فطرت) به سوي مبدأ خود (هستي شناسي)جهت داده شود آن گاه سازندگي، بالندگي و تكامل انسان كه متأثر از شناخت اصيل اوست آغاز مي شود.
      با توجه به چنين مقوله اي است كه گفته مي شود:
      “معرفت ديني،حسِ ديني،رغبت و عاطفه ديني نه در آموزش دروس ديني ونه صرفاً در علوم حصولي و اكتسابي و نه با چشم سر كه با چشم دل ، نه با گوش سر كه با گوش جان ،نه به صورت ظاهر كه با سيرت باطن ،نه با زبان دهان كه با زبان قلب بدست مي آيد”
      بر اين اساس بايد به تعامل در رفتارهاي مؤثري پرداخت كه مي تواند حسِ كودكان را در اختيار گيرد، نيروهاي بالنده او را در جهت هدايت نفس تجهيز نمايد و پس از ارائه شناخت نسبي زمينه ساز نشاط و بهجت آنان باشد.
      بر جستگي حسِ ديني در اين كلام به اين جهت است كه موقعيت اصلي هدايت ها دوران كودكي نسلها است ،در اين زمان كودك به جهت اين كه واجد تفكر انتزاعي نيست نميتواند به درجات بالائي از شناخت نائل آيد.
      پس بايد از طريق تقويت احساس ،جامعه پيرامون او را نمايان نمود و درك جهان و هستي را از دريچة حسِ مادي او به خدمت گرفت تا فهم چگونگي عبوديت آفريدگار هستي جايگاه اصلي ضمير كودكان شود و محور هدايت آنان رضاي پروردگار، كه برابر است با انجام اعمال و رفتارمطلوبي كه توصيه ائمه اطهار و برگرفته از كلام حق تعالي است . تا اينكه تكامل سن ،تعقّل و استدلالهاي منطقي ، تأسي به حسنات و رفتارهاي مناسب بر اساس شناخت حقيقت و درك زضايت خداوند را فراهم آورده و پشتوانه اي قوي براي تداوم و تثبيت رفتارها باشد .
      از آنجا كه احساسات ،ابزارهاي اوليه درك و شناخت آدمي است، مي توان براي هدايت ديني كودكان و نوجوانان از احساس دروني آنان كمك گرفت .
      درحالي كه تكيه برآن است كه قدرت تعقّل و تفكّر به موازات رشد احساسي كودك گسترش يابد و تحت برآيند دو نيروي مهّم حركت تكاملي كودك آغاز شود ، روش هاي ذيل راهي است براي به خدمت گرفتن احساس در جهت نمودار سازي لطف و احسان خداوندي كه منشاء اصلي هدايت است.   شرط مهمّ در به كارگيري رفتارهاي معرّفي شده ،حركت درجهت كسب فضائل و متخلّق شدن به اخلاق انساني و اسلامي است تا بتواند زمينه ساز تقرّب و نزديك شدن به ذات مقّدس احديت باشد و به هدف غائي تربيت ديني (رشد) جامة عمل بيوشاند .در این راستا رفتارهای مهم و دستورات اسلامی در باره آنها به اختصار در زیر ذکر می گردند:

الف : احترام و اكرام بر فرزندان

      توصيه پيشوايان و رهبران الهي جامعه ما احترام به فرزندان و تكريم شخصيت آنان است ودر رواياتي هفت سال اوليه عمر كودكان (سن سيادت) و بزرگي معرفي شده است (5)
      هدف واقعي احترام و اكرام فرزندان تامين كرامت و عزت نفس آنان است تا به فهم و درك اهميت وجودي خويش  نائل شده و تحت تاثير عزت و بزرگمنشي خود از درگير شدن با خواهش هاي نفساني ذلت آور پرهيز نمايند .وبا درك عظمت وجودي خود مانع بروز خطا و گناه در محيط اجتماعي شوند.
      انسانهاي حقير به جهت نواقص و كمبودهائي كه درجايگاه شخصيتي خود احساس مي كند به موقعيت ها و عناصري تكيه مي كنندكه به صورتي بتوانند ،نقيصه هاي وجودي خويش را برطرف نمايند و در مسيرچنين حركتي ،به اطاعت هاي ضلالت آور و گمراه كننده دچار خواهند شد و زمينه هاي فساد و تبه كاري قوّت خواهد گرفت .
      مهمترين تأثيرات روش هاي عزّت آور ،مهم نشمردن جايگاه دنيا در ذهن آدمي است ،چه بسا كه هر نوع وابستگي به غير خداوند مي تواند عاملي در بروز رفتارهاي ناپسند باشد .
      زير بنا و محور اصلي احترام و اكرام بر فرزندان تجلّي معرفت به جايگاه رفيع انسان است كه خداوند متعال او را اشرف مخلوقات خود خطاب نموده و هدف آن است كه بروز شخصيّت توانمند ،دانا و آگاه آدمي در سايةچنين كرامتي حاصل شود و پشتوانه اي قوي در پديد آوري سعادت و نيكبختي او باشد .
      بروز چنين حسّي علاوه بر آن كه تأمين كننده نياز معنوي انسان است به جهت رضايت فردي از پيدايش چنين هدايت و تحوّلي ،جايگاه مبدأاصلي را برجسته ساخته و علاقةممتاز و خالصانه به خداوند كريم و لطيف را ره توشةاين حركت تربيتي خواهد ساخت .(6)

 پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: " به شخصیت فرزندان خود ارج نهید و آداب و آیین های رفتار خویش را نیکو و درست گردانید تا مشمول آمرزش خدا شوید.".پیامبر به والدین امر کرده اند که به کودکان احترام بگذارند ، چراکه بی توجهی و بی احترامی به آنان باعث بروز مشکلات عاطفی زیادی در کودکان می گردد همچنین در روایتی از رسول اکرم (ص ) چنین آمده است :" فرزندان خود را زیاد ببوسید ، زیرا با هر بوسه ، برای شما مقام و مرتبتی در بهشت فراهم می شود که فاصله میان هر مقامی ، پانصد سال است ."

ب: سلام كردن بر كودكان
      سلام گفتن به هنگام حضور كودكان ، اهميّت دادن به جايگاه واقعي كودكان است، ،سلام گفتن نمودي از ادب و معرفت حقيقي فرد را به جايگاه رفيع انسان به ظهور رسانده .منشأعلاقه و محبت به همنوعان مي شود ،وغالباً اين رفتار ساختار شخصيتي انسان را تحت تأثير قرار مي دهد . سلام تأليف قلوب است و ايجاد حسي مأنوس براي درك يكديگر .      پس بايد به كودكان سلام كرد و آنان را به جمع بزرگسالان پذيرفت تا به محيط ادب و احترام وارد شوند واز رفتار و گفتار بزرگسالان در محيطي گرم و صميمي متأثر گردند .
      ادب و تحوّل ناشي از دوست داشتن ديگران و محترم شمردن همنوعان مانع بروز حسد است و تمايل به برقراري ارتباط اجتماعي باعث تقرّب انسانها است . كودكان با مشاهدةاحترام و توجه بزرگسالان به خود به فهم بزرگواري خداوندخواهند رسيد كه چنين ارزش و بهايي را خاص كودكان قرار داده و مايةخوشنودي آنان را فراهم آورده است .پس سپاس و احترام به ذات مقدّس احدي را ضروري رفتار خود خواهند نمود .
      در اين رفتار نيز خاطرة اكرام كننده و هادي انسانها در ذهنيّت كودكان ما جايگاه ممتازي خواهد يافت و به اسلام و فرامين آن ، كه زمينه ساز چنين رشد و تحوّلي است به چشم تقدّس نگريسته خواهد شد .
      بديهي است كه اثر چنين نگرش هاي وزين و ارزشمندي زمينه ساز سپاسگذاري و عبادت خالصانة اشخاص خواهد بود

ج: مسرور كردن كودكان
      وجود شادي و سرور در زندگي كودكان ،روحية تنّوع طلب آنان را مصفّا نموده طراوت و بهجت خاصي را كه بوجود آورندة توان وقدرت فرد خواهد شد به وديعه خواهد گذاشت .
      لبخند و سرور از احساس امنيت كودكان سرچشمه گرفته ،عطوفت و طبيعت گرم آنان را تقويت نموده و خاطرة خوش چنين رفتارهايي ماندگار خواهد شد.
      اصولأدرك انساني افراد متأثر از فضاي روحي و محيط زندگي آنان است ،آن گاه كه سرور و شادماني حاكم بر محيط زندگي انسانها شود،نشان دهندة ديد مثبت كودكان به گذران زندگي است و در چنين حالي است كه آنها از رفتارهاي غريب و نامأنوس ديگران متنفر شده و احساس بيزاري خواهد داشت كه اين خود مقدمه اي بر پيشگيري از رفتارهاي نا مطلوب است.
      آموزش سپاسگذاري و تحسين كساني كه الفباي محبت را به كودكان مي آموزند در چنين صحنه هايي تثبيت و پايدار خواهد شد ،چرا كه اين انبساط و بهجت خاطر خود زمينه ساز موفقيت هاي بعدي انسان است و خاطرة خوش آيندي از اين رفتارها بجاي خواهد گذاشت .
      اگر بپذيريم كه خداوند را مي توان در دلهاي شاد و مفرّح بندگانش يافت مقيّد خواهيم شد برابر توصية ائمه بزرگوار به كودكانمان رحمت و محبت روا داريم و ترّحم و عطوفت را آميزةرفتاري خويش سازيم
      كودكان در تعامل هاي روزانة خود به اين فهم خواهند رسيد كه براي رضايت والدين بايد رفتارهاي ويژه اي داشت،زيراحركت هاي مورد نظر والدين رادر بيان و كلام انان مي يابند و يا به صورت خواسته پدر ومادر مي شنوند پس به اين نتيجه خواهند رسيد كه براي به دست آوردن رضاي خداوند نيز بايد به گفتارهاي ائمه معصومين و خواسته هاي بزرگان توجه نمود و آنها را به كار بست .
      و چنين است كه براي مسرت خداوند بايد رفتار و عملكردي مناسب و مثبت به ثمر نشاند و همواره به رضايت خداوند اميد وار بود تا هدايت هاي خداوندي محقق شده، رشد و كاميابي را در وجود آدمي احياء نمايد.

د: عدالت نسبت به كودكان
      اهميّت عدل و معرفي خداوند به عدالت وقتي جلوة اصلي خود را ظاهر مي سازد كه به ساخت دروني انسان نظر داشته و به كراهت ازتبعيض و اثرات منفي آن درايجاد انحرافات اجتماعي توجهي ويژه داشته باشيم .
      وجود بي عدالتي ،ظلم و تبعيض در جامعه ، امنيت رواني افراد را به مخاطره انداخته ،باعث تنفّر و گريزان شدن انسان از موقعيّت هاي اجتماعي خواهد شد .
      دوست داشتن عدالت و رنج بردن از تبعيضات باعث آن خواهد شد كه همةتلاش آدمي در جهت موازنه و عدل بكار گرفته شود و اين مهم لازمة برخوردهاي انساني يك مسلمان است ، چنانكه ائمه در موارد خاص به تساوي در نگاه و برخوردهاي ظاهري تذكّرات اكيدي داشته اند
      كودكان بايد از ابتدا با عدالت آشنا شده و آن را لازمة برخورد و تعامل با ديگران بدانند ، لمس خوبيٍ عدالت و مصون شدن از فشارهاي نارواي ظلم و تبعيض هم نمودي از برجسته سازي جايگاه خداوند است كه به اين صفت نيزمعرفي شده است.
       اميد به زندگي و امنيّت افراد در سايةعدالت خداوندي نمايان خواهد شد .براي تفهيم صحيح عدالت كه زمينه ساز تلاش انسانها به نظم دهي درون ، برنامه ريزي و رعايت انصاف است نيازمند بستري مناسب و حقيقي هستيم . اجراي عدالت در بين فرزندان نيز توصية اكيد پيامبر مرسل(ص) است
      فرزندان ، برخورد صميمي و عادلانه والدين را نمودي از برخورد رحيمانه خداوند تلقّي خواهند نمود تا آن زمان كه كودك بتواند به درك رحمانيّت مطلق خداوند نائل شود چنين برخوردهايي را مشابه و يكسان خواهد دانست .
      جايگاه مهم و ارزشمندي كه براي عادل حقيقي و رعايت كننده عدالت در ضمير انسانها به وديعه گذاشته شده آنگاه كه به لطف و احسان خداوندي زينت داده شود ،نمونه اي از علاقه مندي به دين ، وابستگي به ائمه و رهروي را به ظهور خواهد رساند كه اميدي قوي براي اصلاح و نجات جامعه و انسانها خواهد بود در چنين زمينه اي فرد ملتمس درمقام و موقعيتي قرارمي گيرد كه معناي حقيقي عدالت رادرك مي كند وخودرا دركنف حمايت نيروي بزرگواري قرارمي دهد كه هيچ كس جز ذات پاك مقام خداوندگارسزاوار چنين جايگاهي نيست.

والدینی که میان فرزندان خود تبعیض قائل می‌شوند و تفاوت‌های فردی را در نظر نمی‌گیرند و در جمع دیگران را مورد تعریف و تمجید قرار داده و به رخ فرزندان خود می‌کشند. در حقیقت شخصیت فرزند خود را می‌شکنند و باعث به‌وجود آمدن حس حسادت در آنها می‌شوند که این حس حسادت در روح و جان فرزند تأثیرات سوء نهاده و او را از جاده ی صلاح و سعادت منحرف می‌کند. براساس آیات قرآنی خداوند انسان‌ها را بر خلقت‌های گوناگون آفریده و تنها ملاک برتری انسان‌ها نزد خدا تقوا می‌باشد. والدین نیز باید به این اصل مهم توجه نموده و خلقت متفاوت و استعدادهای فرزندان خود را در نظر بگیرند. رسول‌اکرم(ص) می‌فرمایند: «بر شما باد دوری جستن از حسد. همانا حسادت خوبی‌ها و نیکی‌ها را نابود می‌سازد. آن‌گونه که آتش هیزم‌ها را از بین می‌برد.» اگر والدین در مقابل رفتارهای یکسان فرزندان عکس‌العمل یکسان نداشته باشند، موجبات بی‌اعتمادی و کاهش علاقه نسبت به خود و بغض و کینه نسبت به خواهر یا برادر را در فرزندان خویش به وجود می‌آورند. در روایت‌های اسلامی آمده است که وقتی پیامبراکرم(ص) با یاران خود می‌نشست نگاه خود را به طور مساوی میان آنها تقسیم می‌کرد. یعنی حتی در نگاه کردن نیز مساوات را رعایت می‌فرمود. در صورتی که می‌دانیم همه ی یاران او از لحاظ معنوی در یک سطح نبودند و علاقه پیامبر(ص) به همه آنها یکسان و یک اندازه نبود اما وقتی در جمع آنها قرار می‌گرفت همه را با یک چشم و یکسان می‌دید تا موجب سرخوردگی ، یأس ، کینه و حسادت یکی علیه دیگری نشود.» والدین باید در تمامی زمینه‌ها بخصوص لطف و مهربانی در میان فرزندان خود با عدالت رفتار کنند. رسول‌خدا(ص) در این زمینه می‌فرمایند: میان فرزندانتان به عدالت و مساوات رفتار کنید چنانکه دوست دارید میان شما در نیکی و لطف و محبت به مساوات و عدالت رفتار شود.» و همواره تفاوت‌های فردی میان فرزندان خود را مدنظر داشته باشند. والدین باید تلاش کنند تا استعدادهای کودکان و نوجوانان را به درستی شناسایی کنند و آنها را در زمینه‌هایی که آمادگی و استعداد بیشتری دارند هدایت کنند تا این استعدادها به مرحله شکوفایی برسد.

ه: محبت و رحمت با كودكان
      دقّت در روش هاي تربيتي رسول مكرم اسلام و قدرت نفوذ معنوي آن شخصيّت رشيد ما را متوجه محبت و رحمت برجسته پيامبر عظيم الشأن خواهد نمود به طوريكه نرمش و ملايمت او در برخورد با امّت ، مسير نفوذ بر دلها شناخته شده است .
      نفوذي كه بزرگترين دشمنانش را وادار به مدح رفتار گرانسنگ خود مي نمود و موج عظيمي از مردم را به سوي پاكي و هدايت مي كشاند .
      از تأكيدات رسول گرامي اسلام است كه: شمابا امكانات مالي هرگز نمي توانيد مردم را جذب كنيد ولي با گشاده رويي و اخلاق مي توانيد دلهاي آنها را بدست آوريد .
      بيان احاديث بسيار دربارة محبت و رحمت به فرزندان و تذكر به بوسيدن آنان بعنوان مهمترين ابزار براي ابراز علاقه به كودكان ، نشان دهندةجايگاه برجسته اين رفتار است .
      كودك از طريق محبت ، مهر ورزي را خواهد آموخت ودر هنگام بيان احساسات ابراز وجود خواهد نمود تا ميزان علاقة ديگران را نسبت به خود ارزيابي نمايد، ابزار شناخت وي از ميزان علاقة افراد (خاصه پدر و مادر) نسبت به خود ميزان مهر و رحمت آنان است و بر اين اساس معيار رفتاري خود را بنا خواهند نهاد و سپس در برداشتي جامع از ميزان توجه، محبت و رحم و شفقت خداوند رحمن و رحيم به جايگاه رفيع و مقدّس پروردگار پي خواهد برد و پس از درك نعمات خداوندي نسبت به خود در موقعيتي قرار مي گيرد كه سپاسگذار آن همه لطف و رحمت باشد .
      اگر بيانديشيم كه محبت و رحمت نسبت به كودكان از نياز هاي اوليه و اصلي آنهاست و هنگام محرو ميت از اين مهم توسط والدين ،كودكان آمادة دريافت مهر و محبت از ديگران خواهند شد مقيّد به رحم و شفقت برآنان خواهيم شد .
      بديهي است كه وقتي كودك خود را مي بوسيم علاقه خود زا به او نمايان ساخته و از جهت امنيّت و نشاطي كه چتر حمايتي محبت ما برايش فراهم مي آورد او را اسير و شيفتةخود مي سازيم و در نهايت ، اين همه محبت و دوستي ، امنيت و بهجتي را در قلب كودكان فراهم مي آوردكه مي تواند نشانه هاي ممتازي از لطف و رحمت خداوند كريم باشد ، خدائي كه همه خلق را به محبت و رحمت فرا خوانده و پيامبرش را به چنين لفظ زيبايي (پيامبر رحمت) ملقّب نموده است.
      چنين است كه محبت با كودكان راهي است براي آشنائي بامحبت خداوند و الطاف بي نهايت او و درچنين مسيري است كه كودكان با همه وجود ، كرامت خداوند را حسِ نموده ، عبد و بندة راستين پروردگار بزرگ می شوند.

کودکان ما در طول زندگي بايد از بيشترين محبت ممکن برخوردار باشند، چرا که پيامبر خدا(ص) با سيره و کنش خويش و رهنمودهاي نوراني به پيروان خود، به آن امر فرموده اند. پيامبر (ص) صبحگاهان دست مبارکشان را بر سر فرزندان و اولاد ايشان مي کشيدند. در روايتي آمده است: روزي نماز جماعت را زود تمام نمودند و حاضران علت آن را پرسيدند ايشان فرمودند مگر صداي گريه کودک را نشنيديد. پيامبر بزرگ اسلام با آن جايگاه رفيعشان در تمام امور با دقت برخورد مي کردند . در روايتي ديگرفرموده اند: هر بوسه پدر و مادر بر فرزند را خداوند متعال حسنه اي مي نويسد و هر که فرزندش را شاد کند خداوند در روز قيامت بر او لباس پوشانده که از نور آن، چهره اهل بهشت درخشان مي شود. در اظهار مهر و محبت به کودکان و فرزندان، مهمترين نکته، وعده هاي پدر و مادر به فرزندان است و پيامبر گرامي اسلام در اين باره مي فرمايند: کودکان را دوست داشته باشيد با ايشان مهرباني کنيد و هرگاه به ايشان وعده اي داديد به وعده خود وفا کنيد زيرا آنان روزي خود را از شما مي دانند.

از ديگر مشکلاتي که گريبان گير خانواده ها مي باشد، همسان نبودن رفتار پدر و مادر با فرزندان و عدم توجه به اقتضاي سني آنان مي باشد، از اينرو پيامبر اکرم(ص) فرمودند: هر کس که کودکي دارد بايد با او به کودکي رفتار کند.محبت داروى شفابخش دردها، تسكین دهنده قلبهاست و بهترین راه حل ‏مشكلات و نا سازگاریهاى تربیتى است. محبت‏ به جا، در هر مكان و زمان و در هر مقطع و سن، وسیله‏اى كارآمد و مؤثر است. همگان، در هر سن و موقعیت، به عاطفه و محبت نیازمندند؛ اما كودكان، نوجوانان و جوانان بیش از دیگران تشنه جام زلال محبتند. رفتار نابجا وناقصشان را محبت اصلاح مى‏كند و ناسازگارى و پرخاشگرى نا بجایشان را داروى محبت ‏از میان مى‏برد. آرى، با محبت مى‏توان بسیارى از گره‏ها را گشود و راههاى‏ ناهموار را هموار كرد. امام رضا(ع) از این شیوه مؤثر تربیتى به شكلهاى ‏گوناگون بهره مى‏گرفت. گاهى اوج محبت ‏خود را در قالب جمله زیباى «بابى ‏انت و امى‏» (پدر و مادرم به فدایت) نشان مى‏داد و زمانى او را در آغوش ‏مى‏گرفت، به سینه خود مى‏فشرد و مى‏بوسید. ابا صلت مى‏گوید: هنگامى كه جواد(ع) بربستر شهادت پدر وارد شد، حضرت رضا(ع) از بستر برخاست، به سوى او رفت، دست‏ برگردنش انداخت، او را به سینه فشرد، میان دو چشمش را بوسید و با او سخن گفت... محبت كلید حل بسیارى از مشكلات تربیتى است. گاهى والدین در مقابل اصرار زیاد كودكان بر خواستهاى غیر معقول یا غیر ممكن، رفتارى تند و نامناسب‏ ابراز مى‏كنند؛ ولى حتى در چنین موقعیتى رفتار محبت آمیز مناسبتر و مؤثرتراست. امیة بن على نقل مى‏كند: در سالى كه امام رضا(ع) حج‏ به جاى آورد و سپس‏ به خراسان رفت، من در مكه همراه امام(ع) بودم و امام جواد(ع) نیز همراهش‏ بود. امام(ع) با خانه كعبه وداع كرد. وقتى طوافش تمام شد، به طرف مقام[ابراهیم] رفت و در آنجا نماز گزارد. جواد(ع) كه خردسال بود، بر دوش موفق(غلام حضرت) طواف داده مى‏شد. جواد(ع) به طرف حجر [اسماعیل] رفت، در آنجا نشست‏ و این امر مدتى طول كشید. موفق به او گفت: جانم به فدایت‏ باد، برخیز. او فرمود: برنمى‏خیزم تا وقتى كه خدا بخواهد و در چهره‏اش غم نمایان شد. موفق خدمت امام رضا(ع) آمد و گفت: جانم به فدایت ‏باد، جواد(ع) در حجر نشسته، برنمى‏خیزد. امام رضا(ع) به طرف‏ جواد(ع) آمد و فرمود: برخیز، اى حبیب من. جواد(ع) فرمود: چگونه برخیزم، درحالى كه شما با كعبه چنان وداع مى‏كنید كه گویا هرگز به سویش بازنمى‏گردید! [براى بار سوم] امام رضا(ع) فرمود: برخیز، اى حبیب من. جواد(ع) برخاست. از این حدیث‏ شریف در مى‏یابیم كه امام رضا(ع) در مقابل اصرار جواد(ع)هرگز به او تندى نكرد؛ بلكه با جملات محبت ‏آمیزى چون «قم یا حبیبى‏» و صبر و حوصله فرزند خرد سالش را قانع كرد. با این‏ كه در اسلام درباره اظهار علاقه نسبت به كودكان سفارش شده است اما این مهرورزى و علاقه نباید مَصالح واقعى را تحت‏الشعاع قرار بدهد، بلكه مى‏باید با اظهار محبتِ مهار شده، با كودكان رفتار كرد. زیرا در برخى از موارد، اظهار محبتِ بى‏حساب، باعث فدا شدن مصالح بزرگترى مى‏شود و یا موجب سوء استفاده كردن كودك و در اصطلاح عامیانه «لوس» شدن او مى‏گردد. باید توجه داشت نوازش‏هاى بدون حد و حصر و توجیه ‏نشده و خارج از حد اعتدال، اثرات سوئى را بر روان كودك بر جاى مى‏گذارد؛ پُر توقعى، زودرنجى، ضعف در برابر مشكلات، ناامیدى، عقده حقارت، سرخوردگى از اجتماع و بسیارى فشارهاى روانى دیگر، زاییده ارتباطات مهرآمیز افراطى با كودك است. امام باقر علیه‏السلام در این راستا مى‏فرماید: "شَرُّ الابَاءِ مَن دَعَاهُ البِرُّ اِلَى الاِفرَاطِ وَ شَرُّ الاَبنَاءِ مَن دَعَاه التَّقصِیرِ اِلَى العُقُوقِ"؛ بدترین پدران كسى است كه [در نیكى از حد اعتدال خارج شود و] به زیاده‏روى بگراید و بدترین فرزندان فرزندى است كه در اثر كوتاهى، به عاق والدین دچار شود.

و: وفاي به عهد
       وفاي عهد نيز از روشهاي موثر در پرورش حسِ ديني كودكان است زيرا كودكان در دوران خردسالي خود به جهت عدم نوان كاري و مهارت لازم در انجام فعاليت هاي مورد نياز ، اتكاي شديدي به والدين و اطرافيان خود داشته و احساس وابستگي به افراد توانمند پيرامون خود را بارز و آشكار خواهند نمود.
      در معنائي ديگر كودكان والدين خود را رازق خود مي پندارند ، زيرا تصورآنان بر مبناي تامين نيازهاي وجودشان است و از اين جهت نقش پدر و مادر خود را برجسته مي نمايند .
      والديني كه براي تشويق كودكان به رفتار هاي مناسب ،منعهد اعمال و رفتارهائي مي شوند، تا بتوانند موتور محركه فعاليت هاي مورد انتظار خويش را فراهم نمايند، بايد متوجه باشند كه پرورش اميد و آمال و آرزو درچنين مسيري شكل خواهد گرفت و اثراتي ويژه بررفتارهاي كودكان خواهد داشت ، چنانچه اين تعهدات عملي نشود ، ياس و بدبيني را بوجود خواهد آورد .
      حال اگر به دلائلي حالت اتكاء و اعتماد كودكان صدمه بيند و وابستگي آنان به مخاطره افتد لطمه روحي بزرگي نصيب آنان خواهد شد و خودرا در بستر مشكلات و موانع زندگي تنها خواهند يافت و نهايتاً اعتماد و توكل خود را كه مايه حركت هاي رفتاري آنان است از دست خواهند داد و دچار بحران خواهد شد كه همه اينها تعادل وجودي آنان را به مخاطره انداخته و بشدت از كارآئي فرد مي كاهد .
      بينش تربيتي اسلام درجهت توجه به تحقق آمال و آرزوي انسانها و بازكردن دريچه اي به اعتماد و توكل مورد تاكيد است تا مسيري را فراهم نمايد كه كودكان با پشتوانه اي حمايت كننده بر مشكلات و موانع محيط فائق آيند و به مراتب نهائي رشد برسند ، چنانچه كودكي در اعتماد به والدين و اطرافيان شكست خورده عدم وفاي (بي وفائي به تعهدات ) ديگران را مشاهده نمايد ، درك ناقصي از تعهد و مسئوليت پذيري خواهد داشت و همه اين موارد مي تواند ضرباتي بر زمينه هاي تعهد و گفتارهاي خداوند ( كه در آيات و روايات آمده است ) نسبت به بندگان وارد سازد .
      چنانچه بخواهيم كودكانمان در تعهدات خود نسبت به خداوند كه با پذيرش دين بوجود مي آيد .تقويت شده و عامل به معاهده هاي خود باشند بايد خود به عهد هاي گفته شده عمل نمائيم و درجه بالائي از وفا را بر آنان ارزاني نمائيم تا از اين مسير بتوانند گامهاي مستحكم تري در مباني دين داشته ، به صلاح و نيكبختي رهنمون شوند .
       روش هاي ارائه شده فوق تمامي ابزار نمودار سازي لطف و احسان خداوند نخواهد بود ، روشهاي متفاوت ديگري نيز براي تقويت حسِ ديني وجود خواهند داشت،
      پس بر مربيان و والدين گرامي لازم است تمامي رفتارهاي خود را با هدف تقرّب و نزديكي به خداوند بكار گرفته و شناسائي لطف و احسان خداوندي را زمينه ساز رشد و معرفت خود ، خانواده و فرزندان خويش قرار دهند ، باشد كه به جهت اين فيض از نعمت هاي سرشار كردگار بزرگ بهرمند شده ، سعادت و رستگاري را نصيب فرزندان خود سازند .

ز)انتخاب نام زیبا: نخستین احسان و نیکی پدر به کودک انتخاب نام زیبا و خوشایند برای اوست و این از حقوق لازم کودکان می باشد. اسامي اعضاء خانواده نشانگر ارزشهاي حاکم بر آن خانواده است، حتي فراتر از خانواده، به روحيه ملت ها از نام هاي آنها مي توان پي برد. چه بسيار فرزنداني که به خاطر اشتباه پدر و مادر خود در انتخاب اسم و تربيت آداب نادرست، در جامعه به افت شخصيت دچار شده اند نام انسان در تربيت و سرنوشت زندگي تأثير بسزايي دارد. حضرت رسول (ص) به امير المومنين(ع) مي فرمايند:علي جان! حق پدر بر فرزند اين است که نام خوب براي او گذارده و نيکو ادبش کند و در جايگاه و موقعيت اجتماعي شايسته قرار دهد.

ح)تعلیم دادن: برای كودك ، یادگیری هر چیز برای نخستین بار و تجربه چیزی كه در گذشته سابقه نداشته است در حكم آفریدن و خلق چیزی نو است . در مراحل یادگیری ، باید كودك را آزاد گذاشت كه خود از معانی كوچك و ناچیز استفاده كرده و به كلیات پی ببرد . به هرحال نباید در تعلیم افراط كرد . از امام صادق (ع) نقل شده است كه فرزند خود را تا هفت سال رها كن تا بازی كند . امیرالمؤمنین (ع) خطاب به فرزند خویش فرمودند: پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آن كه دلت سخت شود و خردت در تصرف هوایى دیگر در آید. در ادامه همین نامه فرمودند: و چون به كار تو همچون پدرى مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم چنان دیدم كه این عنایت در هنگام جوانى‏ ات به كار رود و در بهار زندگانى كه نیتى پاك و نهادى نیالوده دارى، و این كه نخست تو را كتاب خدا بیاموزم و تأویل آن را به تو تعلیم دهم، و شریعت اسلام و احكام آن را از حلال و حرام بر تو آشكار سازم. در این بخش از نامه امام على به فرزندشان بر انتقال عقیده صحیح و ادب آموزى و نیز بر پاكى ضمیر انسان در دوره كودكى و جوانى تأكید شده است؛ یعنى همان دورانى كه بیشترین تأثیر را از خانواده مى ‏پذیرد. انتقال عقیده حق و ایجاد رفتار سعادت آفرین، عنوان كلى وظایف تربیتى پدر و مادر است. در تربیت فرزند نیز همچون سایر قلمروهاى زندگى، باید اصول ثابت را از امور متغیر جدا ساخت و به این حقیقت توجه كرد كه برخى از آداب و ظواهر زندگى تغییر مى ‏كند و روابط اخلاقى و نیازمندى ‏هاى زندگى اجتماعى دگرگون مى‏ شود. تربیت فرزند را باید با آگاهى از تفاوت‏ هاى خود و فرزندان از حیث فضاى فرهنگى و مناسبات اجتماعى صورت داد. باید فرزند را آماده ساخت تا اصول ثابت و نامتغیر اخلاق را متناسب با ظرف زمانى و مكانى زندگى خود رعایت كند. این آمادگى او را براى مقابله با تلقینات مسموم توانا مى ‏سازد و امنیت اخلاقى او را در دوران جوانى و بعد از آن تضمین مى‏نماید. به امیرالمؤمنین (ع) نسبت داده شده است كه فرمودند: فرزندان خود را به اخلاقى متناسب با روزگارشان مؤدب سازید: فرزندان خود را به اخلاق خودتان تربیت نكنید زیرا آنان براى زمانى غیر از زمان شما آفریده شده‏اند.

ط )نیاز به دوستی و رفاقت: در پایان سال سوم یا چهارم زندگی ، همكاری میان كودكان افزایش می یابد . كودكان هر چه بیشتر با كودكان دیگر تماس داشته باشند و با آنان بازی كنند ، زودتر راه همكاری را فرا می گیرند . رفاقت  در روح همكاری میان كودكــــــــان در دوره  نونهالی تأثیر زیادی  می گذارد . بنابراین هرچه رفاقت مستحكم تر باشد ، همكاری و مشاركت بیشتر می شود . به لحاظ تأثیر زیاد دوست و همنشین ، در اسلام مصاحبت و رفاقت با افراد ناشایست نهی شده و به ایجاد روابط دوستی با افراد صاحبِ كمال و معرفت سفارش شده است . تأثیر مثبت یا منفی دوستی ، بخصوص اگر به مدت طولانی باشد تا آنجاست كــــــه می تواند كیش و مسلك را تغییر دهد . از رسول گرامی اسلام ( ص) نقل شده است : "انسان به دین و مسلك دوست و همراهان خویش است ."

و )صبحت با کودک: قدرت درك كودك اندك است و توان فهم معانى كلمات را ندارد. در عین حال سخن گفتن با او نشانه توجه والدین به اوست. كودك این توجه را نوعى اظهار محبت و ابراز عاطفه مى‏داند و با تمام ضعف و نقصان، گاه با لبخند و زمانى با حركات دست و پا به آن پاسخ مى‏دهد. هنگامى كه امام جواد(ع) به دنیا آمد، حضرت رضا(ع) به اصحابش فرمود: فرزندى به دنیا آمد كه شبیه موسى بن عمران شكافنده دریاست و مانند عیسى‏ بن مریم مادرش پاك و مطهر است. راوى در ادامه مى‏گوید: و كان طول لیلته‏ یناغیه فى مهده؛ حضرت در تمام طول شب با او صحبت مى‏كرد.

ی )پرورش بعد عقلانی: تربیت‏ باید همه جانبه باشد. پرورش بعد عقلانى و شكوفا ساختن استعداد منطق و استدلال در فرزند یكى از مهمترین ابعاد تربیت است. منطقى بار آوردن فرزند سبب مى‏شود درست‏ بیندیشد، منطقى تصمیم بگیرد، منطقى ‏رفتار كند و در صورت لزوم، بى‏هیچ هراسى از دیدگاهها و رفتارهاى خود دفاع ‏كند. سیره تربیتى حضرت رضا(ع) از این منظر نیز الگویى كامل براى همه رهروان ‏آن حضرت است. بنان بن نافع نقل مى‏كند كه روزى مامون از جایى كه حضرت ‏جواد(ع) با كودكان بازى مى‏كرد، مى‏گذشت. كودكان از ترس میدان بازى را ترك ‏كردند و تنها جواد(ع) آنجا ایستاد. مامون از او پرسید: چرا همراه بچه‏ها فرار نكردى؟ فرمود: گناهى مرتكب نشدم تا از ترس بگریزم و جاده هم تنگ نیست‏ تا آن را برایت ‏باز كنم، از هر جا مى‏خواهى عبور كن. مامون [از این پاسخ‏ تعجب كرد و] پرسید: تو كیستى؟ حضرت در جواب فرمود: من محمد بن على بن موسى ‏بن جعفر بن‏ محمد بن‏على بن ‏الحسین بن‏على بن ‏ابى ‏طالب علیهم السلام هستم . در زندگي خانوادگي از مهمترين مسائل که پدر و مادر مي بايست به آن توجه کامل داشته باشند مسئله تربيت و آموزش علم  و دانش به فرزندان است.پدر و مادر مي بايست به فرزندان صالح و نيکوکار خويش شخصيت داده و احترام گذارند، از مصاديق اعانت و ياري فرزندي بر نيکوکاري اين است که پدر و مادر از دوران کودکي، بلکه قبل از تولد فرزند، با مهيا نمودن محيط سالم، زمينه را براي رشد و تکامل وي آماده نمايند. چرا که کوچکترين رفتار و گفتارشان در نوزاد موثر است و امروزه ثابت شده است که تمام سخنان و رفتار انسانها، فراتر از نوزاد، حتي در تمام اجسام پيرامون وي تاثيرگذار است.

ک )تربیت قبل از آموزش: مهمترين هدف دين مقدس اسلام، تربيت و تهذيب افراد جامعه انساني است تا اجتماع بشري از ناپاکي ها و آلودگيهاي روحي و رواني پاک شود. همان طور که روشن است بدون تربيت و تهذيب، علوم  و دانش و حکمت آموختن به انسان ضمن اينکه ثمره اي براي ايجاد مدينه فاضله ندارد مخرب نيز هست. در اين راستا امام خميني(ره) مي فرمايند: آن چيزي که دنيا را تهديد مي کند سلاح ها و سرنيزه ها  موشکها و امثال اين نيست آن چيزي که دارد اين سياره را در سراشيبي انحطاط قرار مي دهد، انحراف اخلاقي است، اگر انحراف اخلاقي نباشد، هيچ يک از اين سلاحهاي جنگي به حال بشر ضرر ندارد. آن چيزي که دارد اين انسانها را و اين کشورها را رو به هلاکت  رو به انحطاط مي کشاند اين انحطاط هايي است که در سران کشورها در دست به کارهاي اين حکومت ها، از انحطاط اخلاقي دارد تحققي پيدا مي کند  همه بشر را دارد سوق مي دهد به سراشيب انحطاط. پيامبر گرامي اسلام پس از اينکه برنامه تزکيه  تهذيب و تربيت انسان ها را در دستور کار خويش قرار داد با نبود امکانات آموزشي و تربيتي امروزه انسانهاي نمونه اي را در آن مدت کم همچون حضرت علي(ع) و حضرت فاطمه(س) به عالم بشريت تحويل داد که امام علي(ع) در اين باره فرمودند: به تحقيق شما مقام و منزل مرا نزد رسول خدا (ص) مي دانيد که مرا در کودکيم در دامنش بزرگ نمود و مرا به سينه مبارکشان مي چسباندند و رايحه خوش خود را به مشام من  مي رساندند لقمه را به دهان من مي گذاشتند و ازمن دروغ در گفتار و اشتباه در رفتار نديدند. من همواره چون فرزند در کنار مادر با پيامبر بودم، حضرت هر روز بيرق و پرچمي از مکارم اخلاقي را در وجودم مي نشاند و مرا فرمان مي دادند که پيرويش کنم.

ل )اجتماعی بودن فرزند: در مکتب تعالي بخش اسلام رهبانيت و گوشه گيري و بدور بودن از اجتماع انسانها مورد نکوهش قرار گرفته و از آن نهي شده است، چرا که پيامبر خدا فرمودند: انسان موجودي اجتماعي است و دين مقدس اسلام به حضور انسانها در اجتماعات ترغيب و تاکيد نموده است. يکي از مهمترين وظايف پدر و مادر و مسئولان فرهنگي و آموزشي، نهادينه نمودن آداب و تربيت اجتماعي اسلام در عامل با همنوعان است که نقطه آغازين اين ارتباط، بنابر آموزه هاي ديني، بايد سخن از صلح و صفا و صميمت باشد که در سلام دادن به هم، نمود يافته است و در بيان چگونگي نهادينه ساختن آن ارزش در جامعه بشري، پيامبر (ص) فرمودند: که تا زنده ام سلام دادن بر کودکان را ترک نخواهم نمود تا به صورت سنت نهادينه شده در جامعه در آيد. اگر به اين موضوع از زاويه ديگر بنگريم، خواهيم ديد که حضرت رسول (ص) با عمل خويش به جهانيان آموزش داد که انسانها! اي جوامع بشري! اگر مي خواهيد جامعه اي را مشحون از صلح و صفا و سلام و صميميت داشته باشيد، از خود شروع کنيد خويش را به آداب زيبا زينت داده و به آنچه مي گوئيد عمل کنيد تا فرزندانتان خوب تربيت شوند .

م )مشورت با فرزندان: یکی از هدف‌هایی که در تربیت فرزندان مورد نظر است،پرورش روحی، خود باوری و ایجاد اعتماد به نفس است. اگر فردی اعتماد به نفس خود را از دست بدهد در حقیقت فکر و روحش فلج شده است و متکی و وابسته به دیگران می‌شود. انسانی به پیشرفت‌های علمی، معنوی و اجتماعی دست می‌یابد که توانایی‌های خود را باور داشته باشد. اگر آدمی باور کند که نفسش در گرو عملی است که انجام می‌‌دهد و هر ثواب و عقابی که در نامه ی عملش ثبت می‌شود بستگی به عملش دارد و اگر به یقین باور کند که خداوند او را در تکلف و سختی قرار نداده است و در عین حال استعدادهای زیادی به او بخشیده است، برای رسیدن به اهداف عالیه و کمال انسانی با استفاده از اصل مشورت و نیز استعدادهای خدادادی‌اش از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. مشورت کردن با فرزندان در امور خانواده ضمن شخصیت بخشیدن به آنها، سبب می‌شود تا دریابند که به آنها توجه می‌شود لذا مسائل خود را با والدین مطرح کرده و زمینه ی صمیمیت و همدلی بیشتر را فراهم می‌آورند و از این رهگذر به تدریج با راه و روش فکر کردن و تصمیم‌گیری نیز آشنا می‌شوند. مشورت کردن والدین با فرزندان در مورد مسائل خانوادگی، احساس مسئولیت را در وجود فرزندان ایجاد می‌کند و باعث می‌شود تا آنها به مسائل بیندیشند و با واقعیات زندگی مواجه شوند.مشورت کردن با فرزندان آنان را به تفکر و تدبر در امور وا می‌دارد .همچنان‌که قرآن کریم مردمان را به تفکر و تدبر دعوت می‌کند و از پیروی کورکورانه و تقلیدی محض پرهیز می‌دهد. شنیدن نظرات آنها و بیان اشتباهات آنها با دلیل و منطق و ملایمت که باعث جریحه‌دار شدن احساسات آنها نشود، قدرت خلاقیت تفکر، تعاون، هماهنگی مسئولیت و... را در فرزندان به وجود می‌آورد. مداخله کردن مستبدانه ی والدین در امور آنها و یا دیکته کردن افکار و عقاید خود به آنان، بدون توجه به تمایلات و مقتضیات فرزندانشان، موجب سرکشی و طغیان آنان می‌شود. البته این نکته را هم باید همواره در نظر داشت که نباید بیش از حد و ظرفیت و توانایی شخصی از آنها چیزی خواست زیرا ممکن است قادر به انجام آن کارنباشند و به این ترتیب از خود باوری او کاسته خواهد شد. چنانکه رسول‌اکرم(ص) می‌فرمایند: «والدین باید به آنچه مقدور و میسور فرزندانشان است راضی شوند و بیشتر از آن طلب نکنند.»

با توجه به مطالب ذکر شده فوق به نظر می رسد که دو اصل تربیتی زیر را باید همواره در کودک وآموزش به وی در نظر داشته باشیم :

1. آموزش های دینی و تقویت مبانی اعتقادی کودک: بدون تردید، یادگیرى از مهم‏ترین فرایندهاى روانى است كه زمینه‏هاى آن از سنین كودكى شكل مى‏گیرد و به تدریج با بالا رفتن سن كودك، استعدادهاى او نیز بیشتر شكوفا مى‏شود. كودك به دلیل وجود حس قوى تقلید، تلاش مى‏كند تا رفتارى همسان با والدین خود بازسازى كند. وجود این حس، به او كمك فراوانى در یادگیرى مى‏نماید. والدین نیز مى‏باید از این حس قوى به سود فرزند خود بهره‏بردارى كنند و با آموزش‏هاى ابتدایى، كم‏كم زمینه‏هاى آشنایى با تعالیم دینى و مبانى اعتقادى، به ویژه نماز، را در او به وجود آورند. امام صادق علیه‏السلام مى‏فرمایند: هنگامى كه كودك به سه سالگى رسید لا اله الا اللّه را به او بیاموزید و او را رها كنید (همین مقدار كافى است). وقتى هفت ماه دیگر گذشت محمد رسول اللّه (صلى ‏الله ‏علیه ‏و آله) را به او آموزش دهید و سپس او را رها كنید تا چهار ساله شود. آن‏گاه صلوات فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگى به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده و بگویید سجده كند. آن‏گاه او را تا شش سالگى واگذارید. فقط پیش روى او نماز بخوانید و ركوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتى هفت سالگى را پشت سر گذاشت، وضو ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید نماز بخواند، تا هنگامى كه نه ساله شد وضو و نماز را به نیكى آموخته باشد. و هنگامى كه آن‏ دو را به خوبى یاد گرفت خدا پدر و مادر او را به خاطر این آموزش‏ خواهد آمرزید.
2. ارتقاء سطح دانش و معرفت کودک: گذشته از ضرورت تعلیم كودك و آشنا نمودن او با اصول اعتقادى، آموزش‏هاى دیگرى نیز ـ ولو در حد آشنایى  براى كودكِ در حال رشد ضرورى است. امام صادق علیه‏السلام به جمیل‏بن ‏درّاج فرمودند: "بَادِرُوا اَحدَاثَكُم بِالحَدِیثِ قَبلَ اَن تَسبِقَكُم اِلَیهِم المُرجِئَةُ"؛ فرزندانتان را با كلام [ما] آشنا كنید پیش از آن كه مرجئه (و دیگر فرقه‏هاى منحرف عقیدتى) بر شما سبقت بگیرند [ و آنان را منحرف سازند].(25) و نیز: "عَلِّمُوا صِبیَانَكُم مِن عِلمِنَا مَا یَنفَعُهُم اللّهُ بِهِ لا تَغلِبَ عَلَیهِمُ المُرجِئَةُ بِرَأیِهَا"؛ كودكانتان را به دانش ما آموزش دهید كه براى آنان سودمند است تا مرجئه [و منحرفین] با دیدگاه‏هاى خود آنان را مغلوب خود نسازند. اهل‏بیت عصمت و طهارت علیهم‏السلام همواره عنایت ویژه‏اى به آموزش فرزند و بالا بردن سطح درك و معرفت او نشان مى‏دادند. طبق مطالعه ی جدیدی كه تأثیرات دین را بر رشد و ارتقای كودكان بررسی كرده است، مشخص شده كودكانی كه والدین مذهبی دارند بهتر از دیگر كودكان رفتار می‌كنند و خود را با شرایط تطبیق می‌دهند.

*تکامل دوران ابتدای کودکی و عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت*

عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت در واقع بازگو کننده موقعیت های متفاوت مردم درهرم اجتماعی قدرت و منابع می باشد. شواهد حاکی از آن است که بیشترین بار بیماری ها و قسمت اعظم نابرابری های سلامت در دنیا از عوامل اجتماعی ناشی می شود. شرایطی که مردم در آن رشد کرده، زندگی و کار می کنند بر وضعیت سلامت اشان تاثیر گذار است و نابرابری در این شرایط منجر به نابرابری های سلامت می گردد. خوشبختانه اکثریت قریب به اتفاق این نابرابری ها قابل اجتناب اند. موفقیت در عرصه بهبود سلامت و کاهش این بی عدالتی ها بستگی به توجه جدی به علت اصلي ، یعنی علل اجتماعی زمینه ای آن دارد. کمیسیون عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت سازمان جهانی بهداشت به منظور بهبود وضعیت سلامت جهانی و کاهش بی عدالتی ها یک حرکت جهانی را شکل داده است. این کمیسیون، دولت ها، تشکلات مدنی و سازمان های بین المللی را به مشارکت فرا می خواند. هم چنین شواهد جهانی در زمینه بی عدالتی در سلامت را مرور کرده و سعی می نماید دانش های منطقه ای و بین المللی را به اقدامات عملی در این عرصه تبدیل نماید و در زمینه ایجاد چنین تغییراتی جلب حمایت و همکاری نماید. لذا رویکرد عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت به عنوان راه حلی برای بهبود وضعیت عدالت در سلامت مطرح گردیده است. در ابتدای تشکیل کمیسیون عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت، شبکه های نه گانه ای مشخص گردیدند. این شبکه ها، شبکه های دانش نام گرفتند و منظور از ایجاد آنها این بود که دانش جهانی موجود با تاکید بر شواهدی برای اقدام در هر یک از حیطه های این شبکه را ارزیابی نمایند. تکامل ابتدای کودکی نیز یکی از این شبکه های دانش است و در این شبکه بر ایجاد شرایط و فرصت هایی برای کودکان و مادران آنها در سال های اولیه زندگی ، که خود می تواند نقش موثری در شکل گیری زندگی و وضعیت سلامت آتی فرد ایفا نماید، تاکید شده است و اقدام در این زمینه به عنوان یک اقدام بزرگ و اساسی برای دستیابی به عدالت در سلامت، خصوصا عدالتی از آغاز، شناخته شده است. (10)

در واقع، تعیین کننده های اجتماعی نقش مهمی در زمینه تکامل دوران جنینی ، بارداری ونیز ابتدای کودکی دارند. این دوران، از لحاظ تکامل بیولوژیک و مغزی دوران حساسی است. اینکه آیا تجربیات این دوران منجر به تکامل مطلوب گردد یا خیر ، به کیفیت محرکات محیطی، میزان حمایت ها و شرایط محیط اجتماعی که کودکان در آن رشدکرده، زندگی می کنند و یاد می گیرند بستگی دارد. مولفه های اقتصادی اجتماعی سلامت در طول زندگی از گرادیان های اقتصادی اجتماعی تکامل ابتدای کودکی نشات می گیرند. بنابراین عوامل اجتماعی یک تعیین کننده اساسی و زیر بنایی برای تکامل ابتدای کودکی است و متقابلا، تکامل ابتدای کودکی نیز به عنوان یک تعیین کننده وضعیت سلامت، رفاه و مهارت های یادگیری در طول زندگی محسوب می شود. (9)

*اصول و حیطه های مداخلاتی*

تکامل دوران ابتدای کودکی دارای اصولی است که به منظور تامین تکامل مناسب کودکان، رعایت آنها ضروری می نماید. این اصول عبارتند از:

* تکامل موضوعی همه جانبه است؛
* تکامل از دوران پره ناتال شروع می شود؛
* سال های اولیه زندگی کودک زیر بنایی برای تکامل مراحل بعدی زندگی می باشد؛
* نیازهای کودکان در طی سال های اولیه کودکی متفاوت است؛
* تکامل، تعیین کننده های متعددی دارد و طیفی است از وضعیت تغذیه ای کودک، وضع بیومدیکال وی، عوامل وراثتی و زمینه های فرهنگی و اجتماعی؛
* تکامل کودک ماهیت تجمعی دارد؛ با عبارت دیگر
* همه کودکان بدون افتراق از لحاظ جنسیتی، نژادی، زبانی، مذهب ... باید فرصت تکامل تمام قابلیت ها و ظرفیت هایشان را داشته باشند؛
* کودکان محروم نیازمند توجه ویژه ای هستند؛
* ایجاد محیطی که جوامع و خانواده ها را قادر نماید تا مسئولیت هایشان در ارتباط با فرزند پروری و محافظت از فرزندان را با موفقیت به انجام رسانند، ضروری است .
* کودکان نیز در زمینه تکامل و یادگیری خود نقش مشارکتی فعالانه ای دارند؛
* تکامل و یادگیری کودک از تعاملات وی با مردم و محیط پیرامونش نشات می گیرد؛
* کودکان درون بافتی-مثل جامعه، خانواده، فرهنگ- زندگی می کنند و نیازهای آنها در ارتباط با روابط در درون این بافت ها باید مد نظر قرار گیرد.(7)

والدین و خانواده در حیطه های مداخلاتی که در بحث تکامل دوران کودکی که در زمینه برنامه ریزی باید مورد توجه ویژه قرار گیرند شامل:

* تکامل فیزیکی(از طریق تامین سلامت و تغذیه)،
* تکامل ذهنی(از طریق آموزش وتوسعه محرک های مناسب برای تامین تکامل ذهنی)
* تکامل هیجانی اجتماعی(توسط ایجاد مهر و عاطفه و علاقه و فرصت هایی برای مشارکت اجتماعی)
* تکامل روحی و معنوی(که به عنوان فرهنگ کودک نیز قابل تعریف است) .(7)

*کلیات برنامه ها و مداخلات تکامل دوران ابتدای کودکی*

هدف کلی از تدوین این قبیل برنامه ها و مداخلات تضمین بهبود رشد و تکامل عادلانه کودکان در طی سال های ابتدایی کودکی با تاکید ویژه بر کودکان محروم می باشد.

تنظیم اهداف کلی و اختصاصی در زمینه تکامل ابتدای کودکی نیازمند در کنار هم آوردن سه مجموعه متفاوت از اطلاعات می باشد:

* + ارزیابی وضعیت تکاملی کودکان
	+ تحلیل نیازهای بافتی که در درون آن پروژه تدوین و اجرا خواهد شد
	+ معیارهای بودجه بندی و الزامات سازمانی

در زمان برنامه ریزی تمام جنبه های تکامل کودک باید مدنظر قرار گیرد و نهایتا این برنامه ها در سیاست های دولت وارد شوند. برنامه ریزی ها باید به گونه ای صورت پذیرد که دسترسی کودکان، خصوصا کودکان محروم به خدمات مراقبتی و آموزشی با کیفیت در دوران کودکی را افزایش دهد و در جایی که منابع محدود است لازم است که آسیب پذیرترها در اولویت قرار گرفته و هدف بعدی کل جامعه باشد.

تامین شغل مناسب برای والدین و حمایت از خانواده های دارای فرزند از نکات مهمی است که باید مورد توجه دولتها در این زمینه قرار گیرد.(7)

استراتژی هایی در جهت ارتقاء تکامل کودکان :

استراتژی 1:ارائه خدمات مستقیم به کودکان

استراتژی 2: حمایت و آموزش مراقبین و والدین کودکان

استراتژی 3:ترویج توسعه جامعه بر اساس توجه به کودک

استراتژی 4: تقویت منابع و قابلیت های ملی

استراتژی 5: تقویت تقاضا و آگاهی در جامعه

استراتژی 6: تدوین سیاست های ملی کودک و خانواده

استراتژی 7: ایجاد چارچوب قوانین و مقررات حمایتی

استراتژی 8: تقویت همکاری های بین بخشی و بین المللی(7

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| مدل ها/رویکردها | اهداف عینی | تمرکز مداخله | استراتژی برنامه |
| * سلامت مادر/کودک
* Home day care
* مدرسه(رسمی و غیر رسمی)
* آموزش از راه دور
* برنامه جامع تکامل کودکان
* مدارس مذهبی
* آموزش کودک به کودک
 | * تضمین بقا
* ارتقا سلامت/تغذیه
* توسعه حمایت های جامع
* ترویج اجتماعی کردن کودکان
* توسعه خدمات بازتوانی
* مراقبت از کودکان
* تشویق موفقیت های تحصیلی
 | کودکان 0 تا 8 سال  | استراتژی یک: ارائه خدمات مستقیم به کودکان  |
| * بازدید منزل
* دوره های آموزش والدین
* آموزش زندگی خانوادگی
* شبکه های حمایت از والدین/مراقبین
 | * افزایش آگاهی
* افزایش دانش
* تغییر نگرش
* اصلاح/بهبود عملکردها
* تقویت مهارت ها
 | * والدین/اعضا خانواده
* مراقبین
* معلمان/آموزش دهندگان
* خواهر و برادرها
* بزرگترها و سایر افراد جامعه
 | استراتژی دو: حمایت و آموزش والدین و مراقبین کودکان |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| مدل ها/رویکردها | اهداف عینی | تمرکز مداخله | استراتژی برنامه |
| * بازاریابی اجتماعی
* بسیج اجتماعی
* بسیج فنی
* برنامه های سواد آموزی
* مواد آموزشی مدرسه
* رسانه ها
 | * ایجاد آگاهی
* بسیج برای اقدام
* تغییر محیط
* احساس مالکیت نسبت به برنامه ها
 | * اعضا جامعه
* رهبران/بزرگان
* کارکنان خدمات سلامت
* سازمان دهندگان جامعه
 | استراتژی سه: ترویج توسعه جامعه بر اساس توجه به کودک  |
| * آموزش توسعه سازمانی
* آموزش قبل و حین خدمت به مراقبین/معلمان
* پروژه های تجربی/مردمی
* پروژه های تحقیقاتی با مشارکت ملی
* تحقیقات عملیاتی
 | * افزایش دانش
* تقویت مهارت ها
* تغییر رفتارها
* تقویت سازماندهی ها و پایدار نمودن آنها
* تقویت توانمندی های محلی
* افزایش منابع محلی/ملی
 | * پرسنل برنامه
* سرپرستان
* کارکنان مدیریتی
* متخصصان
* دستیاران
* محققان
 | استراتژی چهار: تقویت منابع و قابلیتهای ملی  |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| مدل ها/رویکردها | اهداف عینی | تمرکز مداخله | استراتژی برنامه |
| * بازار یابی اجتماعی
* انتشار دانش به صورت چند رسانه ای
* جلب حمایت
 | * ایجاد آگاهی
* ایجاد خواست های سیاسی
* افزایش تقاضا
* تغییر نگرش ها
* ایجاد محیط توانگر کننده
 | * سیاست گذاران
* دولت
* متخصصان
* رسانه ها
 | استراتژی پنج: تقویت تقاضا و آگاهی در جامعه |
| * ارتباط دادن تلاش های ملی به بین المللی
* توسعه سیاست های مشارکتی
 | * ایجاد آگاهی
* ارزیابی سیاست های رایج برای خانواده ها و کودکان کم سن
* شناسایی شکاف ها
* ایجاد سیاست های حمایتی
 | * سیاست گذاران
* خانواده های دارای کودک کم سن
* اجتماع، در طول زمان
 | استراتژی شش:تدوین سیاست های ملی کودک و خانواده  |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| مدل ها/رویکردها | اهداف عینی | تمرکز مداخله | استراتژی برنامه |
| * ایجاد اتحاد(گروه های زنان-گروه های جامعه)
* همکاری دولتی/خصوصی
* پاداش های مالیاتی برای حمایت از برنامه های ECCD
 | * افزایش آگاهی از حقوق و منابع
* ایجاد محیط های کاری حمایتی
* تضمین کیفیت خدمات مراقبتی کودک
* استقرار استانداردهای محیطی حفاظتی
* مرخصی مادران/پدران
 | سیاستگذارانقانون گذارانخانواده های دارای کودکان کم سناجتماع، در طول زمان  | استراتژی هفت: ایجاد چارچوب قانون و مقررات حمایتی  |
| * کنوانسیون های بین المللی
* گروه مشورتی بین المللی
* پیمان نامه های بین المللی
 | * تدوین استانداردهای بین المللی
* تبادل تجربیات
* به حداکثر رساندن منابع
* افزایش آگاهی
* افزایش منابع
* افزایش اثر نهایی و اثر بخشی
 | * دولت ها
* آژانس ها
* انجمن ها
* NGO های بین المللی
 | استراتژی هشت: تقویت همکاری های بین بخشی و بین المللی |

مدلی برای تکامل دوران ابتدای کودکی:

**شاخص های توسعه انسانی، سلامتی، اجتماعی-اقتصادی –رفاهی – روانی، معنوی و آموزشی**

**سطح کلان**

**شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی – مذهبی و فرهنگی کشور**

**سطح میانی**

**اشتغال-مسکن-تسهیلات رفاهی-سیستم حمایت اجتماعی-آموزش و پرورش-توسعه زنان- خدمات سلامت- تفریحات- کشاورزی**

**شیوه زندگی**

**قومیت-مدرسه-مکان های مذهبی- مراکز مراقبت از کودک- محل بازی و فراغت کودک-خانواده – گروه هم سالان- محله**

سطح خرد

**شاخص های توسعه انسانی، سلامتی، اجتماعی-اقتصادی –رفاهی – روانی، معنوی و آموزشی**

*تجارب جهانی*

* بولیوی

*پروژه ادغام تکامل کودک*

هدف: گسترش سطح پوشش و بهبود کیفیت برنانه های تکامل کودک در محله های فقیرنشین شهری

مدت: 6 سال

گروه هدف: کودکان فقیر 6 ماه تا 6 سال

استراتژی:

سیاستگزاری و مدیریت برنامه:

1. حمایت از مطالعات به جهت تشکیل یک پایه واقعی برای ارزیابی برنامه ها و سیاستهای اجتماعی
2. فراهم سازی کمک های فنی در حیطه امنیت غذایی و تغذیه و مداخلات ECD و گسترش پوشش آن
3. آموزش کارکنان پروژه ECD و کارکنان دولت محلی

ارائه خدمات:

1. آماده سازی مراکز مراقبت روزانه کودک – خانگی و مرکزی- با 2 تا 3 مربی برای 15 کودک فقیر ( 6 ماهه تا 6 ساله )
2. نوسازی اثاثیه، لوازم، مواد و خانه
3. تامین مالی حقوق، آموزش و نظارت مربیان
4. فراهم سازی کمک فنی در فنون ECD ، مدیریت برنامه و نظارت
5. خرید خودرو، لوازم و مواد برای مدیریت پروژه
6. تامین مالی بهداشتی جهت تشخیص و درمان کودکان دچار سوءتغذیه در خانواده های خیلی فقیر

پایش و ارزیابی:

تشکیل و هدایت آمارگیری خانوار جهت اندازه گیری اثرات پروژه هر 2 سال

فوائد:

1. ایجاد و پشتیبانی از مراکز غیر رسمی، خانگی و متمرکز مراقبتهای روزانه کودک، که کاملا" تجهیز شده بودند تا یک بسته خدمتی تکامل کودکی با کیفیت بالا را به 45000 تن از فقیر ترین کودکان کشور ارائه نماید
2. بهبود تکامل فیزیکی، هوشی و اجتماعی بیش از 100000 کودک 6 ماهه تا 6 ساله
3. 21000 مراقب کودک آموزش دیده
4. 4000 مرکز تکامل ابتدای کودکی خانگی بازبینی شده
5. تقویت مهارتهای والدین از طریق فراهم سازی آموزش و مشاوره برای 10000 والدین
* کلمبیا

*پروژه جامعه ای مراقبت و تغذیه کودک*

هدف: توانمندسازی یک برنامه مراقبت خانگی کودک در حال اجرا

مدت: 7 سال

گروه هدف: یک میلیون از فقیرترین کودکان 2 تا 6 سال

استراتژی:

خدمات تکامل ابتدای کودکی و آموزش:

1. فراهم سازی آموزشها برای مادران جامعه در خصوص مدیریت غذا، تغذیه، ثبت سلامتی، رشد کودک و خانه داری
2. فراهم سازی آموزش برای مراقبین کودک جامعه آموزش های مدیریتی برای کارکنان اداره سلامت خانواده
3. فراهم سازی وام برای مادران جامعه جهت نوسازی خانه به منظور بهبود محیط مراقبت کودک

توسعه ساختاری:

1. شناسایی تغییرات سازمانی لازم جهت کارکنان برای توانمندسازی اداره سلامت خانواده وتمرکززدایی
2. ایجاد یک سیستم اطلاعات مدیریت برای برنامه ریزی، مدیریت برنامه، بودجه بندی و پایش برنامه های اداره سلامت خانواده
3. معرفی سیستم پایش و ارزیابی برای برنامه های مراقبت از کودکان در سطح ملی

 توسعه سیاسی:

1. بهبود کارایی تولید مکملهای غذایی
2. ایجاد ترتیبات جدید برای برنامه های تکامل کودک در اداره سلامت خانواده که به اندازه کافی متوجه قشر آسیب پذیر جامعه نیستند.

فوائد:

1. خدمات گسترده تغذیه ای، بهداشتی و تحصیلی در مراکز مراقبت کودک برای یک میلیون از فقیر ترین کودکان 2 تا 6 سال کشور
2. تقویت توانایی کودکان محروم در جهت موففقیت در مدرسه و اینکه به یک بزرگسال مولد و موثر تبدیل شوند
3. مادران با استفاده از مراکز مراقبت کودک امکان کار کردن در بیرون خانه را پیدا کنند
4. امکان دستیابی به درآمدی معتدل و بهبود منزل برای مادرانی که در برنامه مراقبت کودک شرکت می کنند
5. تحریک مشارکت جامعه در برنامه های مراقبت پیش دبستانی
6. افزایش پشتیبانی جامعه برای خودیاری های بهداشتی ، تحصیلی و بهبود وضعیت مناطق شلوغ و کثیف پایین شهر
* ترکیه

*پروژه دومین آموزش پایه*

هدف:

* افزایش میزان پوشش و بهبود کیفیت اموزش پایه برای کودکان فقیر و با نیازهای خاص
* گسترش میزان پوشش برنامه های اموزشی رسمی و غیر رسمی پیش دبستانی

مدت: 4 سال

گروه هدف: کودکان سن پیش دبستان و دبستان ، مادران کودکان خردسال در مناطق کم درآمد

استراتژی:

پوشش:

* 1. نوسازی 1100 مدرسه آموزش پایه در مناطق روستایی و مناطق کم درآمد شهری
	2. نوسازی 40 مدرسه آموزش تخصصی و ساخت تسهیلات اضافی در 20 مدرسه موجود
	3. ساخت و تجهیز 300 کلاس پیش دبستانی در مدارس آموزش پایه

کیفیت:

1. تجهیز 3000 مدرسه به کامپیوتر و نرم افزارهای آموزشی
2. تهیه بسته و مواد آموزشی برای 800 کلاس پیش دبستانی و 1340 مدرسه ویژه آموزش کودکان با نیازهای خاص
3. پشتیبانی از آموزشهای رسمی و غیررسمی ابتدای کودکی جهت گسترش پوشش آن در استانهای با میزان کم پذیرش مدرسه و میزان مهاجرت بالا
4. تشریک مساعی با سازمان های غیردولتی در استقرار آموزشهای غیر رسمی ابتدای کودکی
5. ساخت و تجهیز مراکز آموزش پیش دبستانی
6. آزمایش کردن مداخلاتی جهت درگیر کردن کودکان با نیازهای خاص برای آموزش معمولی

نحوه ارائه خدمت:

1. فراهم سازی آموزش ضمن خدمت ، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات برای 31500 معلم ، 5800 مدیر ، 3000 ناظر آموزش ابتدایی و 22000 معلم روستا
2. پیشنهاد آموزش ضمن خدمت برای 4500 معلم پیش دبستانی
3. توجه به کودکان با نیاز های خاص در آموزش ضمن خدمت
4. گسترش شبکه برنامه های آموزش مادران و کودکان به کل 81 استان

پشتیبانی از استقرار پروژه:

1. تقویت ظرفیت وزارتخانه در استقرار پروژه ها

پایش و ارزیابی:

1. گسترش و بهبود سیستم پایش و ارزیابی در اولین پروژه
2. انتشار یافته های پایش و ارزیابی
3. به روز کردن مطالعات ارزیابی اجتماعی، سازمانی و اقتصادی مدارس آموزش پایه

فوائد:

1. تربیت معلمانی با کیفیت و انگیزه بهتر
2. داشتن کلاس های درس با جمعیت کمتر
3. تربیت مادرانی که نیازهای تحصیلی و تغذیه ای و سلامتی کودکان خردسال را بهتر می فهمند و دنبال می کنند
4. داشتن کودکانی با آمادگی بیشتر برای شروع مدرسه به دنبال افزایش پوشش و کیفیت برنامه های تکامل ابتدای کودکی
5. مواد آموزشی بهتر شامل دستیابی به شبکه های اطلاعاتی اینترنت برای خیلی از کودکان و جامعه
6. ارتقا كيفيت آموزش معلمان
* *توصیه های* بین المللی برای کشور ها *:*

1.ایجاد متحدان جهانی در این زمینه: همکاری جهانی از جمله با یونیسف، یونسکو و بانک جهانی ... صندوق های مختلف و سازمان جهانی بهداشت. ایجاد ارتباط بین این موضوع با اهداف توسعه هزاره، حمایت از ادغام این موضوع در سیاست های ملی کشورها ، حمایت از ادغام مداخلات ساده در این حیطه و نیز در ابتکارات سلامت جامعه و ارزیابی سود و هزینه این برنامه ها از جمله این توصیه ها هستند.

2.ایجاد تعهدات ضروری در سطوح متعدد جامعه: دولت ها در سطح محلی، منطقه ای و ملی باید سیاست های مرتبطی را در این زمینه داشته باشند. پس باید درک درستی از موضوع به وجود آید. ایجاد بسیج در زمینه بازاریابی این موضوع لازم است، که از آن جمله جلب حمایت بخش برنامه ریزی دولت-بخش اقتصاد و رسانه ها می باشند. شناخت حقوق کودکان، انجام اقدامات پایلوت ، افزایش آگاهی خانواده ها، جامعه و ارائه دهندگان خدمات و سیاستگذاران در خصوص حقوق تکامل ابتدای کودکی می تواند مثمر ثمر باشد.

3.ساختارهای لازم برای استقرار: دولت ها باید یک چارچوب سیاستی بین وزارتخانه ای ایجاد کنند که به خوبی نقش و مسئولیت های بخش ها در آن تعیین شده باشد و نیز مشخص شده باشد که چگونه بخش های مختلف می توانند با یکدیگر همکاری نمایند.دولت هم چنین باید این موضوع را در دستورجلسات بخش ها وارد نماید تا اطمینان حاصل شود در تصمیم گیری های بخش ها این موضوع لحاظ شده است. دولت ها باید منابع را مجددا تخصیص دهند تا مطمئن شوند که بی عدالتی ها در زمینه دسترسی به برنامه ها و خدمات ECD با کیفیت بالاکاهش یافته است. زمانی از این اقدامات منافعی برای کودکان ایجاد خواهد شد که که دولت سیاست های دوستدار خانواده و کودک را اتخاذ کرده باشد. سیاست هایی که درآمد کافی برای همه را ضمانت می کند، ضامن منافع مادران است، کمک های مالی برای افراد بسیار فقیر دارد و اجازه می دهد که والدین و مراقبان بین زمانی که در محل کار و در خانه می گذرانند تعادل برقرار نمایند. دولت ها باید مشکلات مرتبط با تعادل بین زندگی کاری و زندگی خانوادگی را حل کنند ( از این طریق که سیستم هایی به وجود آورند تا ضمانت کننده کیفیت مراقبت های مبتنی بر جامعه خارج از منزل کودک باشد. ) هم چنین بایستی دولت ها فرصتهایی را برای آموزش و تحقیقات در این زمینه ایجاد نمایند.

درگیر کردن جامعه در این موضوع بسیار مهم است و سبب موفقیت برنامه می شود پس باید دولتها جامعه را در توسعه ، اجرا، پایش و بررسی مجدد این قبیل سیاستها درگیر نمایند.

4.استراتژی های استقرار:استقرار برنامه هایی برای بقا و سلامت کودک با دسترسی عادلانه اهمیت دارد. در این راستا سیستم های مراقبت از سلامت یکی از مقرون به صرفه ترین سیستم ها هستند. توسعه برنامه های موثر از سطح محلی تا ملی ، ایجاد احساس مسئولیت در این زمینه در سطوح محلی سبب تضمین پایداری این قبیل برنامه ها می شود.

5.پایش و ارزشیابی: نیاز فوری برای ایجاد شواهد مرتبط و ایجاد سیاست مبتنی بر شواهد وجود دارد. هدف دسترسی همگانی به خدمات ECD است: حمایت والدین و مراقبین کودکان، تغذیه، حمایت اجتماعی، مراقبتهای بهداشتی اولیه آموزشات ابتدایی . دولت و جامعه باید این خدمات و برنامه ها را از نظر کاآیی و کیفیت پایش نمایند که این خود شامل ارزیابی موانع در راه رسیدن به اهداف ، فرصت های دسترسی و نیز تمرکز بر کاهش بی عدالتی است که همگی نیاز به همکاری همه جانبه دارد.(8)

* چه باید کرد ؟

1. استفاده از اطلاعات در دسترس برای شکل دادن اقدامات و استراتژی ها " از سطوح ابتدایی تا بالایی"

2. تقویت همکاری های بین بخشی.(8)

3. ادامه تحقیقات برای تامین درک بهتر از تاثیر محیط و بیولوژی بر یکدیگر



مراجع:

1. 1.final report for the WHO CSDH-EARLY CHILD DEVELOPMENT:A POWERFUL EQUILIZER
2. Family and community practices that promote child survival, growth and development-WHO
3. Facts for life-Third edition published in 2002 by UNICEF, WHO, UNESCO, UNFPA, UNDP, UNAIDS, WFP and World Bank
4. بررسى تربیت كودك در روایات اسلامى-سایت
5. امام رضا(ع) و تربیت فرزند-سایت تبیان
6. Early Childhood Counts- A Programming Guide on Early Childhood Care for Development-World Bank 2000
7. Early Child Development: A Powerful Equalizer- Final Report for the World Health Organization’s Commission on the Social Determinants of Health 2007
8. Knowledge network for early child development-Analytic and strategic review paper:International perspectives on early child development- prepared by Stefania Maggi-Lori G.Irwin-Arjuman Siddiqi- Iraj Poureslami-…
9. سلامت و عوامل اجتماعی تعیین کننده آن- راهکار اصلی گسترش عدالت در سلامت و ایجاد فرصتی منصفانه برای همه- دکتر محمد اسماعیل مطلق، دکتر علیرضا اولیایی منش، دکتر مریم بهشتیان بهار 1387

### )كتاب روشهاي پرورش احساس مذهبي (نماز) در كودكان و نوجوانان ، دكتر غلامعلي افروز.  دكتر عبدالكريم كريمي از كتاب گفتارهائي پيرامون اثرات پنهان تربيت آسيب زا

### اصول کافی

### بحارالانوار

1. National Association for Regulatory Administration & National Child Care Information Center, 2006. *The 2005 Child Care Licensing StudY* <http://www.nara.affiniscape.com/displaycommon.cfm>
2. Bureau of Labor Statistics, U.S. Department of Labor. *Career Guide to Industries, 2006-07 Edition, Child Day Care Services*. <http://www.bls.gov/oco/cg/cgs032.htm>
3. Briody, J. and McGarry, K. (2005) http://www.journal.naeyc.org/btj/200509/BriodyBTJ905.pdf accessed on 15.12.05
4. Brooker, L. (2002) *Starting School: Young children learning cultures.* Buckingham: open University Press.
5. Broström, S. (2000). *Transition to School.* Paper related to poster symposium at the 10th EECERA International Conference: London, September.
6. Broström, S. (2002) Communication and continuity in the transition form kindergarten to school. In H. Fabian and A. W. Dunlop *Transitions in the Early Years: debating continuity and progression for children in early education.* London: RoutledgeFalmer.
7. Burrell, A. and Bubb, S. (2000) ‘Teacher Feedback in the reception Class: Associations with Children’s Positive Adjustment to School’, *Education 3-13* 28(3), 58 – 69.
8. Campbell Clark, S. (2000) Work/family border theory: A new theory of work/family balance, *Human Relations*, 53, 6, 747-770.
9. Corsaro, W. A. and Molinari, L. (2000). Priming Events and Italian Children’s Transition from
10. Dockett, S and Perry, B (2001) Starting School: Effective Transitions. *Early Childhood Research and Practice.* Volume 3 Number 2. <http://ecrp.uiuc.edu/v3n2/dockett.html>
11. Dockett, S. and Perry, B. (2005) ‘Starting school in Australia is ‘a bit safer, a lot easier and more relaxing’: issues for families and children from culturally and linguistically diverse backgrounds’ in *Early Years.* 25(3) pp. 271-281.
12. Dockett, S. and Perry, B (Eds) (2001) *Beginning School Together: Sharing Strengths*. Canberra, ACT: Australian Early Childhood Association Inc.
13. Dunlop, A. W. (2002) ‘Perspectives on Children as learners in the transition to school’ in Fabian, H .and Dunlop, A. W. (Eds) Transitions in the Early Years: debating continuity and progression for children in early education. London: RoutledgeFalmer
14. Dunlop, A. W. A. (2001). Children’s Thinking about Transitions to School. Paper presented at the 11th Annual Conference of the European Educational Research Association, Alkmaar.
15. Dunlop, A-W. and Fabian, H. (2003) (Eds.) Transitions. European Early Childhood Education Research Journal, Themed Monograph, 1.
16. Dunlop, A-W. (2002). Conclusions. In Hilary Fabian and Aline-Wendy Dunlop (eds), Transitions in the Early Years, 146-154.
17. Dunlop, A-W. (2002b) Early Years Educational Transitions. Study for Stirling Council. Glasgow: University of Strathclyde/Stirling Council.
18. Dunlop, A-W. (2005) “Don’t give yourself a reputation” Accessing the views of secondary school entrants. Paper presented at the Scottish Educational Research Association Annual Conference. November 2005, Perth, Scotland.
19. Dunlop, A-W. (2005) “I’d like to be a fly on the wall”: how does children’s transition to school affect parents? Paper presented at the EECERA 15th Annual Conference, Dublin, September 2005.
20. Dunlop, A-W. (2005) Educational Transitions: the key challenges. Paper presented at the BERA Annual Conference, Glamorgan, September 2005.
21. Dunlop, A-W. A. (2002) Early Years Educational Transitions: Working together for children in the early years. Researching Current Transition Practice in Stirling Council, 2001-2002. Report to Stirling Council.
22. Elder, G. H., Jr (2001). Families, Social Change, and Individual Lives. Marriage and Family Review, 177- 192.
23. Fabian and Dunlop (2005) ‘The Importance of Play in the Transition to School’ in J. R. Moyles (Ed) The Excellence of Play 2nd edition. Berkshire: Open University Press/McGraw-Hill.
24. Fabian, H. and Dunlop, A. W. A. (eds.) (2002). Transitions in the Early Years. Debating continuity and progression for children in early education. London: Routledge Falmer.
25. Fabian, H. and Dunlop, A-W. (2002) Inter-conneXions. Early Years Matters. Dundee: Learning and Teaching Scotland
26. Fabian, H. (2002) Children Starting School. London: David Fulton Publishers
27. Featherstone, S. (2004), Smooth Transitions. Nursery World, 27 May 2004.
28. Fortune-Wood, J. (2002). Transitions without school. In H. Fabian, H. and A. W. A. Dunlop, (eds.).Transitions in the Early Years. Debating continuity and progression for children in early education. London: Routledge Falmer.
29. Galton, M., Morrison, I., and Pell, T. (2000). Transfer and Transition in English schools: reviewing the evidence. International Journal of Educational Research, 33, pp.341-363.
30. Griebel, W. and Niesel, R. (2000). The children’s voice in the complex transition into kindergarten and school. Paper presented at the 10th Annual Conference of the European Educational Research Association, London.
31. Griebel, W. and Niesel, R. (2001) Griebel, W. and Niesel, R. (2002). Co-constructing transition into kindergarten and school. In H. Fabian, H. and A. W. A. Dunlop, (eds.).Transitions in the Early Years.
32. Debating continuity and progression for children in early education. London: Routledge Falmer.
33. Johansson, I. (2002). Parents’ Views of transition to school and their influence in this process. In H. Fabian, H. and A. W. A. Dunlop, (eds.).Transitions in the Early Years.
34. Debating continuity and progression for children in early education. London: Routledge Falmer.
35. Kienig, A. (2002), ‘The importance of social adjustment for future success.’ in H. Fabian and A. W. Dunlop (Eds) Transitions in the early years: debating continuity and progression for children in early education. (pp.23 – 37). London: RoutledgeFalmer.
36. Laurent, C. (2000) “The Real Life Class” Guardian Education Tuesday 11 April pp. 6-7.
37. Le Roux, W. (2002) A tracer study of San preschool children in Botswana in Early Childhood Development Practice and Reflections: No. 15 The Challenge of Change. Bernard Van Leer Foundation.
38. Margetts, K (2002) ‘Transition to School – Complexity and Diversity’, European Early Childhood Education Research Journal. 10(2) 103-114.
39. Margetts, K. (2000). Establishing Valid Measures of Children’s Adjustment to the First Year of Schooling. Post-Script: [www.edfac.unimelb.edu.au/insight/postscript.shtml](http://www.edfac.unimelb.edu.au/insight/postscript.shtml)
40. Neuman, M. J. (2000). Hand in Hand: Improving the links between Early Childhood Education and Care and schools in OECD countries. Paper prepared for the Consultative Meeting on International Developments in ECEC. The Institute for Child and Family Policy at Columbia University, May 11-12.
41. Page, J. M. (2000), Reframing the Early Childhood Curriculum: Educational Imperatives for the Future. London: RoutledgeFalmer.
42. Perry, B., Dockett, B. and Howard, P. (2000) ‘Starting school: issues for children, parents and teachers’. Journal of Australian Research in Early Childhood Education. 7(1), pp. 41-53.
43. Porter, L. (2003), Young Children’s Behaviour: Practical Approaches for Caregivers and Teachers. Second Edition. London: Paul Chapman Publishing.
44. Qualifications and Curriculum Authority (2000) Curriculum Guidance for the Foundation Stage. London: QCA.
45. Stephen, C. and Brown, S. (2002). Cultures of Practice in the Early Years: What are we doing with Thyssen, S. (2000) The child’s start in daycare. Early Child Development and Care, 161, 33-46.
46. Webb, J., Schirato, T. and Danaher, G. (2002) Understanding Bourdieu. London: Sage Publications.

inal Report*werful* Equalizer